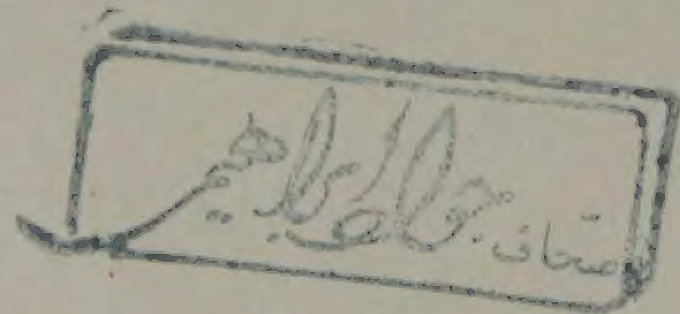
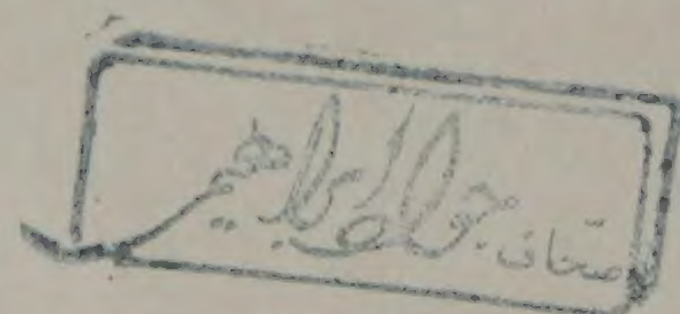
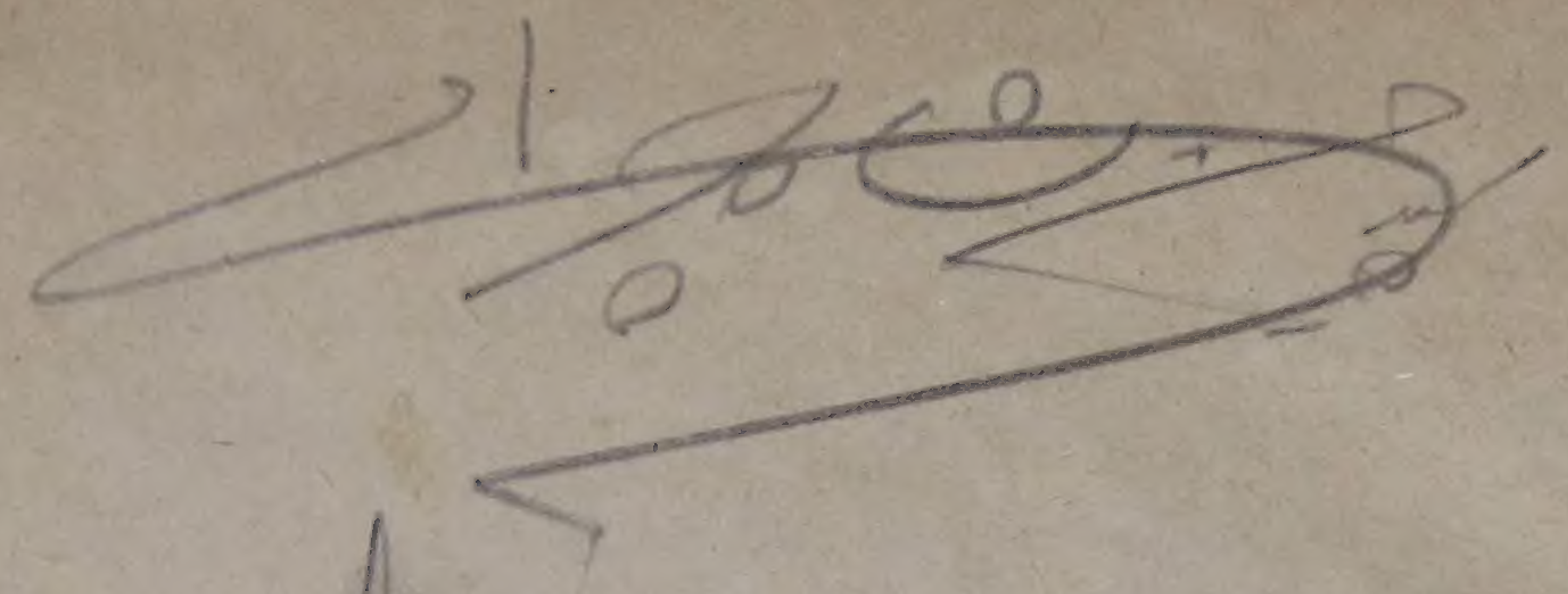


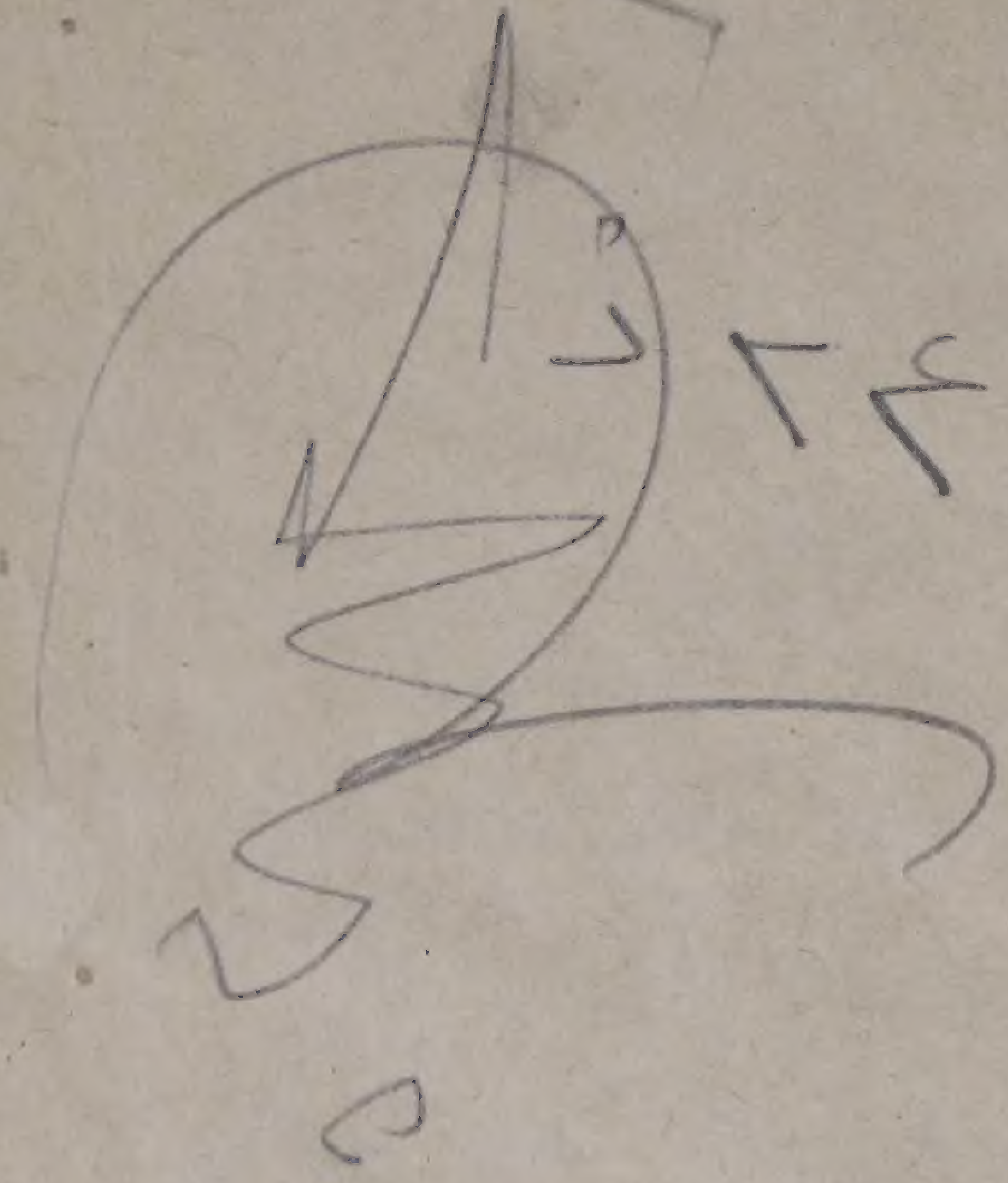


جلدسازی

۸۰۰۰ ریال







سید حسن شاهچراغی

۲۴

حسن شاهچراغی ۲۸ صفر الخیر

زینت

قال الله تعالى

(قد بيّنا لكم الايات ان كنتم تعقلون)

هو

رسالهٔ شريفهٔ

(بيان الايات) در علم (زبر وبيّنات)

از تصنيفات عارف معارف دينيّه و واقف مواقف يقينيّه

(عماد الاسلام)

والمسلمين مروج الاحكام والدين العالم الكامل الصمدانى

جناب الحاج شيخ يوسف النجفى الجيلانى

لازال كواكب افاضاته مضيئه

وانوار فيوضاته منيره

(سورة المومن)

(ولقد جائكم يوسف من قبل بالبيّنات فمازلتم فى شك مما جائكم به)

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس وستایش بررب الارباب ومنزل صد صحیفه وچهار کتاب ومفضل بتفضیل ولقد فضلنا ومکرم بتکریم ولقد کرمنائیکه انسانرا بشرف جستجوئی لالی متلالی ایات محکمات وغواصی در بحار درر وغرر احکام زبر وبینات برسایر مخلوقات مزیتی داده وبسبب سوابق عنایات ازلیه ومراحم فیوضات ابدیه برلطائف جلیه و رموز خفیه از جزئیات وکلیات واقف و باقصی درجات السعادات واصل فرموده

(ای برتو وجود توذرات کائنات هرذره بروجودتو آیات وبینات)

وصلوات وسلام تامات بابرکات براکمل وافضل موجودات بعدد ملفوظی ومکتوبی همهٔ حروف وکلمات وبرآل واصحاب او بتطابق بینات بزبر وزبر به بینات و لعائن کائنات بر اضداد آن سادات الی یوم العرصات (وبعد) عرضه دارد عبد عارفان معارف سبحانیه وبندهٔ سالکان مسالك ربانیه الاحقر الجانی والافقرالفانی (یوسف) ابن محمد بن یوسف النجفی الجیلانی که نظر بفرمایش (کل سر جاوز الاثنین شاع) نشاید رموز اسرار از دو لب کهربار پدیدار نمود ولی بمفاد (کل علم لیس فی القرطاس ضاع) شاید وباید که در صفحهٔ روزگار صفحهٔ از اسرار بیان وآشکار نمود اگرچه بعضی از علوم تدوینی نیست بلکه نوریست که نمی باید آنرا مگر هرکه را که حق خواهد چنانچه فرماید (العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء) چنانچه بعضی ازعلوم کسبی است

که باید بمقتضای آیهٔ شریفهٔ (والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا) که در سورهٔ عنکبوت است بمجاهدات حقانیه وریاضات شرعیه ازبرای اهلش حاصل شود ومن المعلوم که انحاء علوم در قرآن مجید وفرقان حمید مندرج بلکه در هر حرف آن مندمج است کما فی الحدیث (لکل حرف من حروف القرآن حدولکل حد مطلع) ودر مجمع است که (ما من حرف من حروف القرآن الاوله سبعون الف معنی) بدیهی است که اسرار اطوار کلمات الهیه وعلوم مطلقهٔ مقتبسهٔ قرانیه بصورت نقطهٔ واحده والف متحده در عالم انبساط جاری وساری ودر میان عالم باطن وظاهر وباهراست که چندین هزار رشته دارد وهرعالمی یك صفة ویك رنك ویك طریق اورا دیده وفهمیده ومیداند وبعبارات مختلفه وبالسنهٔ غیر مؤتلفه وبرموز واسرار وزبر وبینات وبتصریحات وتلویحات واشارات وکنایات واستعارات وتشبیهات بیان انهارا نموده اند ولی هر کسی حامل انواراسرار نیست وهر نفسی تحمل بار گرانبهای رموز ودقایق وتبیان حقایق کلمات درر مشحون را ندارد ومحسوس است که کلام الله صامت جمیع علوم بحقایق اشیاء محسوسها ومعقولها جلیها وخفیها صغیرها وکبیرها را داراست واشارهٔ قرآنیه وکنایهٔ فرقانیه (ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین) مدعی را ناطق است پس علم شریف زبر وبینات در جمله از آیات بر سبیل اشاره دارد واین اقل الانام الملقب بعماد الاسلام از برای علماء خواص علی سبیل الاختصاص اشاره میدارد چنانچه باب مدینة العلم در جواب آن زندیق مردود که قدح در قرآن وطعن در فرقان مینمود چنین فرمود (ان الله جل ذکره بسعة رحمته ورأفته بخلقه قسم کلامه ثلاثة

اقسام فجعل قسما منه یعرفه العالم والجاهل وقسما لا یعرفه الامن صفا ذهنه ولطف حسه وصح تمیزه ممن شرح الله صدره للاسلام وقسما لا یعرفه الاالله وامنائه الراسخون فی العلم لئلا یدعی اهل الباطل من علم الکتاب مالم یجعل الله لهم) وامام بحق ناطق جعفر بن محمد الصادق علیه وعلی آبائه وابنائه السلام نیز فرماید که (لقران له اربع مراتب (یا انکه) کتاب الله علی اربعة اشیاء العبارة والاشارة واللطائف والحقایق فالعبارة الظاهرة للعوام والاشارة للخواص من العلماء واللطائف للاولیاء والحقایق للانبیاء) که شاید مزید در تفکر وتاکید در تبصر گردد پس تبیان مبین وقانون متین متضمن فواید زاهره ومنقسم باقسام عدیدهٔ متکاثره ومراتب شتای متظافره ومطالب پسندیدهٔ وافره است ومردم عالم علی اختلافهم فی العزائم والنیات وتبیانهم فی الجواهر والهویات از کتاب کریم وذکر حکیم بهره‌ها بر میدارند وسودها می‌اندوزند عارفین بالله از مشاهدات صور اصلیه وحقایق اولیهٔ آن متمتع میشوند متفقهین فی الدین از اشعهٔ آیات احکام اقتباس شرعهٔ اسلام میفرمایند ومؤمنین بالغیب از تلاوت آن آناء اللیل واطراف النهار بر خوردار میشوند کل علی حسب ماینوبه ویشتهیه از این مائدهٔ الهیه روزی خود میخورند واز این فیض نامتناهی قسمت خود میبرند وهکذا راسخین فی العلم از مکاشفات نشاهٔ تفسیر وتاویلش مبتهج گشته کشف بسی رموز وبیان مرموز مینمایند نادان را گمان آنستکه نکات بعد الوقوع است وبر دانایان مخفی نیست که بر اهل کشف قبل از استکشاف مکشوف وبر جاهلین مخفی وملفوف بوده چنانچه بر کوردلان پوشیده ومستور بوده وخواهد بود قوله تعالی در سورهٔ بقره

(وآتینا عیسی بن مریم البینات وایدناه بروح القدس ولو شاءالله ما اقتتل الذین من بعدهم من بعد ما جائتهم البینات ولکن اختلفوا فمنهم من آمن ومنهم من کفر ولو شاءالله ما اقتتلوا ولکن الله یفعل ما یرید) پس از توفیق ذوالمن والعطاء در اظهار اسرار وکشف این غطاء خصم را انکار محال ومکتم را کتمان عدم مجال است (بقره) (ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئك یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون) وهرگاه شبهه وشیبی یا شك وریبی بر کم بهره‌گان علوم رود رجوع بسالگان طریق معلوم وصاحبان معرفة وکاملان در علوم نمایند (نحل) (وما ارسلنا من قبلك الا رجلا نوحی الیهم فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر وانزلنا الیك الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون) اگر چه معرفة قرآن بلند تر از آنستکه تصریح مطالب آن بمیزان وهم وقیاس توان سنجید وتشریح معانی آن بر تر از آنستکه در معیار بیان توان گنجید ولی بقاعدهٔ (ما لایدرك کله لا یترك کله) چون دانهٔ از انبار ومشتی نمونه از خروار بحیز تحریر در آورده ومسمی نمودم انرا (ببیان الایات) در شناختن زبر وبینات ومامول چنانستکه در نظر دانشوران موقعی عظیم ومقامی کریم بهمرساند نه در نظر ارباب غرض الذین فی قلوبهم مرض

(سعدی)

(منه گوش در قول صاحب غرض — که از کینه درسینه دارد مرض)

وازعارفان معارف لدنیّه وواقفان مواقف یقینیّه رجا دارم که اگر خللی یازللی بظهور آید بقلم اصلاح اغماض فرمایند وهو العاصم فی الخطاء والزلل فی القول والعمل

(من خجلم از عمل خام خویش — تو بملامت نکنم سینه ریش)
(در روش زمرهٔ آزاده گان — نیست روا طعن بر افتاده گان)

وآن مشتمل است بر مقدمه وچهارده مقام وخاتمه مقدمه در او سه مقصد است

(مقصد اول)

در تفسیر ولغة وموضوع وتعریف وفائدهٔ زبر وبیّنات است (١) قوله تعالی فی سورة البقره (و آتینا عیسی بن مریم البینات) (الخ) (البیّنات) المعجزات الواضحات کاحیاء الموتی وابراء الاکمه والاخبار باالمغیبات (٢) قوله تعالی فی سورة البقره (ولقد جائکم موسی باالبیّنات) ای المعجزات کالعصاء والید وفلق البحر (٣) قوله تعالی فی البقره (ولقد انزلنا الیك آیات بیّنات وما یکفر بها الاالفاسقون) (بیّنات) ای معجزات ظاهرات واضحات (٤) البقره قوله تعالی (فان زللتم من بعد ما جائتکم البیّنات فاعلموا ان الله عزیز حکیم) (البیّنات) ای الحجج والمعجزات (٥) قوله تعالی در سورهٔ آل عمران (فان کذبوك فقد کذب رسل من قبلك جاؤا بالبیّنات والزبر والکتاب المنیر) (٦) قوله تعالی در سورهٔ فاطر وان یکذبوك فقد کذّب الذین من قبلهم جائتهم رسلهم باالبیّنات

وبالزبر وبا الکتاب المنیر) (بیّنات) ای معجزات باهرات (٧) در سورهٔ آل عمران در جزو رابع از رکوع عاشر چنانچه صاحب تفسیر صافی بعبارت وافی فرماید که (البیّنات) ای المعجزات (والزبر) الحکم والمواعظ (٨) در سورهٔ مؤمنون در جزو ثامن عشر از رکوع رابع که (زبر) ای قطعا جمع زبور الذی بمعنی الفرقه (٩) در جای دیگر (البیّنه) ای حجة ظاهرة واضحة مثل الید البیضاء (والزبر) بضمتین جمع زبور باالفتح بمعنی الکتاب (١٠) موضع دیگر (البیّنات) جمع بیّنه بمعنی الحجه (ودراصطلاح) چنانچه در کتاب غصن البان بیان فرماید آنستکه (الزبر والبیّنات هما قاعدتان توأمان لایعرف واضعهما (موضوع) این علم اعداد حروف وکلمات است گاه از زبر وگاه از بیّنات (تعریف) آن علمی است بقواعد معلومهٔ اعدادیه در استنباط اسرار مکنونهٔ قرانیه (فائدهٔ) آن کشف برخی معلومات از مجهولات وآگهی در بعضی از اسرار مخفیّات

(مقصد دویم)

در قاعدهٔ باهرهٔ ساطعهٔ زبر وقانون قاهرهٔ قاطعهٔ بیّنات است وآن چنانچه در مقامع الفضل آورده آنستکه هریك از حروف تهجی مرکبند بعضی از دو حرف مثل (با) و (تا) وبعضی از سه مثل (صاد) و (سین) وحروف اول انهارا در اصطلاح زبر مینامند وتتمه را بیّنات مثل (با) زبرش (ب) است که بحساب جمل دواست وبیّناتش (١) که بحساب جمل یکی است (انتهی) پس روشن گردید که زبر تطبیق مکتوبی حروف است بحروف در اعداد یعنی زبر عبارتست از کلمهٔ مساوی هر کلمهٔ دیگر یا جملهٔ هر جملهٔ دیگررا

د حساب جمل (مثل در کامه) چون تطابو لفظ (کاکل) با (کژدم) و (مو) با (چلیپا) و (گل) با (می) و (صهبا) با (پیالهٔ می) و (ود) با (حب) و (مودت) با (محبت) و (محبوب) با (ناز) و (عرق حبیب) با (شبنم) و (معشوقه) با (محب عاشق) و (عاشق) با (کتان) چنانچه آزاد گوید (لاغرو ان قمر باالجزع اضنانا الا تری عاشقا قد عد کتانا) و(یوسف) با (حسن ازل) و (سعاد) با (العدل) چنانچه ازاد نیز گوید (اسعاد کیف تعاملین بجفوة والعدل انت محاسبی لله) و (هجر) با (درد) و (غم) با (تلخی) و (فرحان) با (دلشاد) و (دیوانگی) با (اسوده گی) و (زمزم) با (آب زنده گی) و (عبد) با (گناه) و (عاق) با (عاصی) و (توبه) با (پشیمانی) و (زبان) با (دهان) و (علم) با (عمل) و (لعل) با (نگین) و (آدم) با (پاکیزه) و (خواب) با (راحت) و (مال) با (امل) و (محتاج) با (بی دولت) و (درویشی) با (نیستی) و (پیر) با (بی عقل) و (کریم) با (نیک نفس) و (بد نفس) با (ملعون) و (والد) با (ام) و (طهماسب) با (جهان پناه) و (ملا) با (سواد) و [صلح] با (نزاع) وصباح) با (مسا) و (سماعی) با (قیاسی) و (حساب) با (سهو) و (قلعه) با (برج) (وعدس) با [باقلا] و (نخود) با (کشمش) و (عقرب) با [کاشان) و (کوفه) با [گیلان] و [انزلی] با [جهنم] و (نجف الاشرف) با (جنت سرا) و (یزد) با [زوجه]

و (ساوه) با [پس] و (دار القرار) با [کورستان] و [هندی] با (سبز) و (اصفهانی) با (زیرك) و (ارمنی) با (کافر) و (عیّار) با (بی‌سر وپا) و (انسان) با (انعام) و (الله) با (محیط) و (وجود) با [واحد] و (رسول) با (رهنما) و (ابو القاسم) با (مالك یوم الدین) و(محمد) با (امان) و (حب محمد) با (ایمان) وچون (ماه) با (ولی) (نبی چون آفتاب آمد ولی ماه مقابل گردد اندر لی مع الله) وچون (امام) با (اعجاز) و (علی) با (بحق) و [الاملح] با (علی) ودر فارسی (علی) با (نمك) و (قائم) با (صاحب‌ما) (واما) الفاظ رکیکه که طباع از او متنفر ونفوس از وی منزجر باشند بسیاراست ودر جش در کتب ناگواراست چون [موسائی] با (بد اصل) و (روستائیی) با (قباحت نافهم) و (ساوجی) با (سك) و (همدانی) با (مکس) و (بابی) با (دزد) و (قزلباش) با (تاچلو) و (المیسر) با (قمار) و (بز) با (جو) و (کچل) با (حیله) و (نانوا) با (جهنمی) و (بی‌ادب) با (یابو) و (ابن زیاد) با (زنازاده) و (یزید) با (بیحیا) و (طاحه) با (کب) و (گیاك) با (سك) وامثاله واجود ترك ذکر آنهااست (مثل درجمله) (چون تطابق لفظ) (اول من امن) با لفظ (علی بن ابی طالب) وچون (نایب‌مناب‌نبی) .با (علی‌بن ابی طالب) وچون (عین ایمان) با (وجه علی ابن ابی طالب) واین تطابق‌را تطابق زبر بزبر نامند (واماتبینات) چناچه در کتاب غصن البان فرماید آنستکه بینات تطبیق ملفوظی اسماء حروف است با حذف حرف

اول مر تمام عدد اسم دیگر را باین معنی که بقیه مساوی مر تمام عدد لفظ دیگر باشد واین تطابق نیز اعم است از آنکه در یك لفظ باشد یا زیاده (مثال در کلمه) چون تطابق بیّنه (محمد) با (اسلام) زیرا که بیّنهٔ (محمد) (۱۳۲) واسلام ﴿ ۱۳۲ ﴾ است واز این‌است که عرفاء لفظ ﴿ الاسلام ﴾را ﴿ با علّة موجده ﴾ هموزن دانسته اند

(رمزیست کتاب حق تمامی بنظام اسرار الهی‌است بهر بطن کلام)
(از اسم محمد که بود مصدر کل دریاب ز بیّنات نامش اسلام)

وچون تطابق بیّنه (علی) با (ایمان)

(توصیف علی نگنجد اندر اذهان بیرون بود از فهم معانی‌و بیان]
(ایمان بولایتش معلق باشد دریاب ز بیّنات نامش ایمان)

(بیان ذلك) آنکه ملفوظی علی (عین) (لام) (یا) میباشد چون حروف اوایل که مجموع علی‌است حذف شود باقی ماند (ین) (ام) (ا) عدد مجموع (۱۰۲) وعدد ایمان نیز (۱۰۲) است صاحب روضات‌الجنات آورده که این رباعی از ملا جلال دوانی‌است

(خورشید کمال‌است نبی ماه‌ولی اسلام محمداست ایمان علی)
(گر بینهٔ در این سخن میطلبی بنگر که زبینات اسمااست جلی)

وچون تطابق بینهٔ لفظ (مکه) با (مامنا) چنانچه آزاد فرماید

(لم لا الوذ بسوح مكة اننی بالبیّنات وجدت مكة مامنا)

وچون تطابق (مدینه) با (بلد حکمه) (مثال در جمله) چون لفظ (حب علی‌بن ابی‌طالب) با لفظ (دین‌الاسلام) وچنانچه شیخ بهائی نورالله بهجته در اول کتاب جامع عباسی استخراج نماید که بیّنهٔ (خلدالله ملکه) لفظ (شاه عباس) است زیرا که شاه عباس در عدد

(۴۳۹) وبیّنهٔ خلدالله ملکه نیز (۴۳۹) میباشد وچنانچه صاحب کتاب مضیئی الاعیان نیز بنام شاه عباس گوید که (شاه عباس) (نایب امام محمد بن الحسن) زیرا که زبر لفظ شاه عباس چنانچه گدشت (۴۳۹) وزبر لفظ نایب امام محمد بن الحسن نیز (۴۳۹) است (فائدهٔ) دیگر آنکه بیّنات (شاه عباس) (۴۰۲) است وآن مطابق‌است مر زبر لفظ (نایب امام همام محمد مهدی هادی) مجموع زبر وبیّنه میشود (۸۰۴) و آن مطابق‌است مرلفظ (نایب الامام محمدبن الحسن المهدی الهادی صاحب‌الزمان) واما تطابق بیّنه بزبر چون تطابق بیّنه (ملح) با (محمد)

(چون‌علی‌نفس‌محمدبوداز معنی‌ملح خوش‌محمدشده‌براهل‌بصرجلوه‌کنان)

(واما یك حرف) که در بیّنه مطابق شیئی ودر زبر وبیّنه موافق مر شیئی آخر باشد چون [الف] که در بیّنه ملاصق با (لا اله الا هو) ودر زبر وبیّنه معاق با (کافی) است واز این قاعده است که اهل حروف چون غزالی ومحی الدین اعرابی وغیرهما (الف) را (قطب‌الحروف) نامند زیرا که زبر ملفوظی الف لفظ (قطب) است واف بعلاوهٔ آنکه دلالة بر علم لدنی حقیقی ربانی دارد وبحساب بینه مطابق با (لااله الاهو) است موافق با لفظ (علی) هم هست وباید دانستکه الف در تمام حروف تهجی در کاراست و مقوم هر حرف است وبمنزلهٔ مادهٔ آن حرف‌است یا بی واسطه مثل (با تا ثا) یا بواسطه مثل [جیم وسین] چون توام آنها بریاست وتوام یا بهالف وباین سبب آن‌را قطب حروف گویند وآن حرف شریف را حرف ذات اقدس دانند وبیّنهٔ آن که مظهر اسمیّت آنست مطابق اسم مبارك علی‌است بلکه زبر آن‌که همزهٔ ملفوظه‌است نیز مطابق اسم مبارك‌است

وهمزهٔ ملفوظه همان الفاست که مسمی هر حرفی عین آن در اول یا وسط یا آخر آن حرف واقع میشود والف مصدر بهمزه است پس همزه الفاست وعدد آن نیز [۱۱۰] است ها (٦) میم (۹۰) زا (۸) ها (٦) مجموع [۱۱۰] علی (۱۱۰) ولهذا قیل (از بینه الف علی را بطلب) پس ظاهر الف علی باطن الف علی والف مقوّم حروف وحروف متوّم کلمات و کلمات مقوّم آیات وآیات مقوّم سور وسور مقوّم کتاب تدوینی وهکذا الامر فی الکتاب التکوینی بالحدث الصائب والنظر الثاقب وقل العارف

(الف الحروف هو الحروف جمعیها و الفاء دائرة علیه تطوّف)

پس میتوان بود که صدور هر حرفی از الف باشد که یکی است وهمین شهادت وجود بموجود ووحدانیة رب معبود است چه که الف یك ومحیط بتمام حروف واو بتمام اشیاء محیط است

(ففی کل حرف له آیه تدل علی انه واحد) از اینست که گویند (من عرف ظاهر الالف وباطنه وصل الی درجة الصدیقین و مرتبة المقربین) وحدیث شریف مروی از سر الله الاعظم که فرمود (الالف واحدة لایعلمها الا الراسخون) که جزء ثانی (العلم نقطة کثرها الجاهلون) است اشاره بدان است یعنی که الف یکی است و برمز او اگهی ندارد کسی مگر راسخون در علم یعنی اهل کشف

(دل گفت مرا علم لدنی هوس است تعلیمم کن اگر ترا دست رس است)

(گفتم که الف گفت دگر گفتم هیچ درخانه اگر کس است یکحرف بس است)

(مقصد سیم)

باید دانستکه تطبیق بدین فن مخصوص بچهار قسم است وآن چنانستکه

تطبیق (کاه) زبر بزبر است و (کاه) بینه به بینه و (کاه) زبر به بینه و(کاه) بینهٔ بزبر ولی بعضی ازارکان چون صاحب مضیئی الاعیان وغیر از او از اعیان شش صورت دیگر جهة توسعهٔ در این فن بدو افزوده اند وان تطبیق جمع (دو) زبراست بزبر و(دو) زبراست به بینه و(دو) بینه به بینه و(دو) بینه بزبر و (بینهٔ) بینه ببینه و(بینهٔ) بینه بزبر وجای آنستکه دو صورت دیگر چنانچه شاید وباید بدین قاعدهٔ لامعه مزید گردد وآن تطبیق (زبر) وبینه است بزبر و(زبر) وبینه است به بینه پس مجموع دوازده صورت نمودار گردید ولی عمدهٔ تطبیق که لولا دلیل لکان دلیلا اعتباریا وبرهانا اقنا عیّا چنانچه معتبر دانسته اند واز جملهٔ اجوبهٔ اسکاتیه شمرده اند صور چهارگانهٔ اولیه است (حکایت) صاحب کتاب غصن البان آورده که سلطان شهاب الدین ملك هند که در سنهٔ (۱۰۷٦) وفات نموده ملقب بشاه جهان بوده یعنی شاه عالم پادشاه روم باو اعتراض کرد که تو هندوستان را سلطانی چگونه ملقب بشاه جهانی در جواب حیران ماند پس ملك الشعراء عصر ابو طالب المتخلص به کلیم در مقام جواب بر آمده فرمود که جهان وهند مساویند در عدد زیرا که جهان (۵۹) وهند نیز (۵۹) است وبقانون حساب زبر اورا مجاب نمود (دیدم) بزرگی از ارکان عامهٔ اهل بغداد که چندان رایکان با خاصهٔ اهل سداد نبود در رحلهٔ خود چنین نوشته بود که روافض تمسك بقاعدهٔ زبر وبینات نموده وبتطبیقات اختیاری درمقام مدح موالی خود برایند واثبات کرامات برای ایشان نمایند وهر که را دشمن دارند بتطبیقات دیگر که در مقام هجو است ذم نمایند وآن را قاعده نام نهند وممکن است که عکس شود یعنی مبغض

آل محمدرا با تطبیقات جیّده ومحب محمد وآل اورا با تطبیقات رذیه مطابق نمایند (عرض نمایم) اگرچه در کلمات پست‌فطرتان از مخلوق چنین‌است ولی در کلام خالق بیچون که مشعر بر معجزه‌است چنان‌است معلوم‌است که قائل غافل از زبر معجزات قرآنیه وبیانات بیّنات فرقانیه بوده که این عیب وارد آورده

(وکم من عائب قولا صحیحا وافته من الفهم السقیم)

زیرا که تمام کلمات وآیات جیّده ورحمة کلام الله با ملاحظهٔ تفاسیر مطابق اسامی والقاب آل الله وهمگی کلمات غضب وعذاب کتاب مطابق با اسماء والقاب اعداء الله میباشند چنانچه خواهد آمد (گواه عاشق صادق در آستین باشد) پس محاکمهٔ ما وخصم مرجوع بمحکمهٔ عدلیهٔ قرآن مجید ومحول بادارهٔ حقانیهٔ فرقان حمیداست که مشتمل بر نکات غریبه واسرار خفیه ومحتوی تفاصیل عجیبهٔ مرموزهٔ الهیه‌است

(هست مدّاح تو احمد خاتم پیغمبران دفتر مدح تو قرآن‌است یا مولی علی)

قوله تعالی فی سورة العنکبوت (بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم وما یجحد بایاتنا الا الظالمون) بلکه خداوند عزشانه درحق جاحدین ومنکرین آیات قرآنیه در همین سوره نیز فرماید(وما یجحد بایاتنا الا الکافرون) هر غوّاص دریای معرفته ودلیل که خودرا در شط سلسبیل شنا گردید فهمید که اهل علم وفهم‌را در ادراك مقاصد وفهم مطالب عالیهٔ ربانیه واستنباط معانی از قوالب الفاظ مبارکهٔ قرآنیه واستخراج لالی ثمینه از بحار اخبار نبویه وولویه مذاهب ومشارب متخالفهٔ متباینه‌است بعضی میزان عقل ناقص خودرا نصب کرده ورای

کلیل وهوای نفس علیل خودرا اسطرلاب معرفة مبدء ومعاد قرار داده آیات فرقانیه وکلمات صادرهٔ از خزائن حکمت واوعیهٔ علم ومعرفة را بمیزان عقل خود سنجیده واز ثقبهٔ لبنهٔ اسطرلاب رای کاسد وهوای فاسد خود بعین عورا نظر بانوار کواکب مشرقهٔ در آسمان علم وعرفان انداخته هرچه بان‌میزان موزون وبان نظر مقرون افتاده همان‌را اعتقاد واعتماد کرده مثل اکثر معتزلهٔ منتحله ومتفلسفهٔ متحکمه ومتصوفهٔ متشحطه حتی انتهی امرهم الی تغییر جمیع الظواهر فی الخطابات الواردة فی الکتاب والسنه وتاویلها الی غیر معانیها الحقیقیه مما یتعلق باحوال الاولی والاخره ومناظرات اهل النار والجنة وهؤلاء المترفون المتحکمون المتصوفون کانهم لم یعلموا ان فهم رموز القرآن واسراره والغور فی اغواره واطواره مما لایمکن بالفکر والنظر ولابدّ فیه من متابعة اهل بیت النبوة والاقتباس من مشکوة الولایة والاقتفاء لاثار الواقفین علی اسرار الشریعة ولم یسمعوا قول الله عز وجل ولا یعلم تاویله الا الله والراسخون فی العلم وقول ابی عبدالله علیه السلام ونحن الراسخون فی العلم ونحن نعلم تاویله وعن ابی بصیر قال سمعت ابا جعفر علیه السلام فی هذه الایة (بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتوا العلم) فاومی بیده الی صدره وحدیث نبوی من فسر القرآن برأیه فلیتبوّ مقعده من النار ومن فسر القرآن برایه ان اصاب لم یوجر وان اخطاء فهو ابعد من السماء معروف و مشهوراست وبعضی دیگر مثل اشاعره ومن حذا حذوهم نور عقل‌را خاموش ساخته وجوهر عقل‌را کساد انداخته از تدبر وتفکر وفهم وحکمت محروم مانده صرفا سدّ باب تاویل کرده در جمیع مقامات جمود برظواهررا لازم شمرده‌اند مگر در مثل الرحمن علی العرش استوی

والحجر الاسود يمين الله فی الارض وبرخی دیگر سدّ باب تاویل در ما یتعلّق باحوال الاخره والمعاد کرده ودر باب نشائه اولی ومبدء الفاظ وارادهرا تاویل کرده ونزاع فرقهٔ ناجیه از اعلام علماء اخباریّین با فحول از مجتهدین اصولیین شکر الله مساعیهم درباب اخذ بظواهرایات واحتجاج باخبار معصومیّه معروفاست ودر کتب اصول مسطوراست ورجوع بکتاب شریف قوانین الاصول برای اطلاع برآن کافیاست والحق فی هذ الباب ما ذهب الیه اولو الالباب واز اقتصاد واعتدال والصاف وعدل درحق نورعقل ورسول باطنی وعدول از جورواعتساف در بارهٔ حکم شرع ورسول ظاهری نه برودت وجمود اشاعره وحنابله وکرامیّه واکثر محدّثین ولغویین ظاهریّین در ابقاء الفاظ وعبارات بر مدالیل اولیّه ومفاهیم ظاهره هر چند منافی ومناقض قوانین عقلیّه وحکم عقل باشد ونه حرارت وتندی وتعدّی وتخطی متحکمه ومتعرفه ومتصوفه در تاویلات بعیده وتوجیهات رکیکه وخروج از طور وطرز لفظ وکلام وارتکاب تعسفات وتکلفات در ترویج اراء کاسده واهواء وظنونات باطله وخیالات واهیهٔ خود هرچند منافی با قوانین شرع وموازین عدل الهی باشد با اینکه ظنون ومجازفات اساس وبنیان مظبوط ندارد وغالبا من باب تقلید وسماعاست وباین جهة تخالف وتناقض وتنافی وتعارض در مطالب ومقاصدشان بهم میرسد کلما دخلت امة لعنت اختها پس باید پاس حرمة واحترام شرع مقدّس وعقل مجرد را بدارند وتعظیم وتکریم وتقدیس وتسبیح وتحمید وتمجید حضرت حق وشؤنات واسماء وصفات حق وحضرات انبیاء واولیاء ووسائط وروابط خلق با خالق ووسائل فیض ورحمة حضرت باری برکافهٔ موجوداترا

نصب عین ومنظور نظر سازند وساحت کبریاء احدیترا از نقائض امکان ومعائب حدثان ومثالب اکوان منزه ومقدّس دانند وسلسلهٔ جلیلهٔ انبیاء واولیاءرا از خطوط بشریة ولوازم طبیعیّه اجل وارفع پندارند فانهم عنها مبعدون وعما یجوز لکم منزهون وملاحظه ومراعات ظواهر الفاظ وعبارات وقواعد استعارات ومجازات ومزایا وخواص کلمات ومعجزات وآیات نازلات بر خود لازم ومتحتم شمارند وباین تحقیق دستور اعظم ومیزان اقوم در فهم وادراك مطالب عالیه ومقاصد عالیه بدست آورند وجمع بین ظاهر وباطن وتفسیر وتاویل وتتمیم وتکمیل تنزیل نمایند واز راه ظاهر عبور نمایند بسوی باطن وسر واز قشر بگذرند بسوی لب وروح واین مرتبه ودرجه بقوهٔ نظر وفکر بدون ذوق سلیم وفهم قویم وصفاء طینت وطهارة فطرة ومراجعت باهل بیت نبوت ومتابعت معانی وتنزیل میسر نیست (مادام) که انسان در چاه طبیعت محبوس وبا دید ان عالم محسوس مانوف وماوساست واز عالم نور ونشاهٔ عقل محروم ومحجوباست از معرفة الهیّه که مندمجاست در معرفة محمدیه بحقیقة نورانیّه که (معرفتی بالنورانیه معرفة الله) فرمودهاست بیبهره وبینصیباست وچشم بصیرت از مشاهدهٔ ملکوت وحقائق اشیاء بستهاست واو نمیبیند مگر قوالب محسوسه وهیاکل ظاهر چون ندارد مگر باصرهٔ جلیدیه

(لله درّ صدرالحکماء فی قوله فی القرآن المجید)

نحن وامثالنا لانشاهد من القرآن الا سوادالحروف لکوننا فی عالم الظلمة والسواد فان المدرك والمدرك دائما من جنس فالبصر لایدرك الا الالوان والحس لاینال الا المحسوس والخیال لایتصور الا المتخیلات والعقل لایدرك

الا المعقولات وكذلك النور لا يدرك لاحد الا بالنور ومن لم يجعل الله له نورا فماله من نور فنحن بسواد هذا العين لانشاهد الا سوادالقرآن فاذا خرجنا من هذا السواد والوجود المجازی والقرية الظالم اهلها مهاجرا الى الله ورسوله وادركنا الموت عن هذه النشاة الصورية الحسية والخيالية والوهمية مارايتا بعد ذلك من القرآن سواد اصلا الاالبياض الصرف والنور المحض وهذا القران انزل من الرحمن الى الخلق بالاف حجاب وتكسى بكسوة الالفاظ ولغات الانسان لاجل تفهيم ضعفاء العقول خنافيش الابصار وتانيسهم به كما تكسى نورالشمس بكسوة الظلمة لانتفاع الخفاش وتلبس بلباس البهيمة لانتفاالارمد ولو جعلنـاه ملكا لجعلناه رجـلا وهذا غاية الرحمة من الله وشفقته على خلقه والا فما للتراب ورب الارباب ولو نزل هذا القرآن على ماكان من العظمة والشان الى العرش لذاب العرش واضمحل ولو انزلنـا هذا القـرآن على جبل لرايته خاشعـا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفـكرون (صاحب مشارق انوارالیقین آورده) روى ابن عباس فى قوله تعالى وكل شيئى فصلناه تفصيلا (قال معناه) شرحناه شرحا بيّنا بحساب الجمل فهم من فهم وهذا هوالعلـم الذى اسره الله الى نبيه ليلة المعراج وجعلـه عند امير المؤمنين ع ثم فى عقبه الى آخرالدهر وهى (۸) كلمات و (۲۸) حرفا وكل حرف منها يتضمن اسم محمد وعلى ظاهرا وباطنا يخرجه من له وقوف على اسرار علم الحروف واعدادها (چنانچه شنيدم) ديگرى از ابناء سنه طعن ودق بر شيعيان زده كه ايمان واسلام اعاجم بسبب زبر وبيّنات است (اگرچه چنين نيست) وبر فرض بودنش همين حديث متفق حاكم است قال رسول الله ص (ستفرق امتى ثلثا وسبعين فرقه كلهم

فى النار الا فرقه) كه مستثنى لفظ (فرقه) است وفرقه شيعه است (فرقه) (۳۸۵) (شيعه) (۳۸۵)

(لاعـن الايـات امنا ابتـدائا   انما الايـات بشرنا الرجـائا)
(نحن امنا برشـد المصطفى   يوم كنا معه طينا ومـائا)

هركس بعمل والذين جاهدوا فينا مؤيد شد البته ببشارت لنهدينهم سبلنا مستبشر خواهدگرديد (على بحث المعانى من مواضعها وما علّى اذا لم يفهم البقر) فهذا هو البرهان الوجـدانى النورانى الحـقانى والـدليل الساطع القاطع القرانى مما استنبطه القاصـر الأثم الجـانى يوسف ابن محمد بن يوسف النجفى الجيلانى

مقام اول

ودر او سه مطلب است (مطلب اول) در انواع حروف است وآن برسه وع است (فكريه) و (خطيّه) و (لفظيّه) اما حروف (فكريه) قدضربنا طلبه فى الجفرالجامع والنور اللامع واما (خطيه) آن نقوش خطى است كه هر حرفى از آن دلالة بر عددى كنـد چنانچه ورود آنـرا در مختصر المجمل ايراد نموديم كه ا (۱) ب (۲) ج (۳) د (۴) ه (۵) و (۶) ز (۷) ح (۸) ط (۹) ى (۱۰) ك (۲۰) ل (۳۰) م (۴۰) ن (۵۰) س (۶۰) ع (۷۰) ف (۸۰) ص (۹۰) ق (۱۰۰) ر (۲۰۰) ش (۳۰۰) ت [۴۰۰] ث (۵۰۰) خ (۶۰۰) ذ (۷۰۰) ض [۸۰۰] ظ (۹۰۰) غ (۱۰۰۰) كه آنرا حساب جمل نامند واحقر زبر جمل را با لفظ حكمه وبيّنات وجه جمل را با خير كثير مطـابقه نموده ام (جمل) (۷۳) [حكمه] (۷۳) (وجه جمل) (۸۷) (خير كثير) (۸۷)

(ايكه زاسرار زبر گشته ئى آگاه وخبير   جمل آمد بعدد حكمه واين نكته بگير)

(ورکه‌ازبیّنه‌خواهی‌تو مثالی گویم برارباب‌نظروجه‌جمل‌خیرکثیر)

واز اتفاقیات این تطابق با توافق بعضی از معاصرین از اهل سداد موافق افتاد چنانچه فرماید

ازپس‌حمدخداوندوپس‌ازذکررسول شنو ازسرحقیقة زمن‌این نغزبیان
کن‌برون پنبهٔ پندار زگوش‌شنوا چشم‌بینا بگشا تاکه‌عیان بینی‌جان
فهم هرشیئی‌بطوریکه بوددرواقع آنچنان حکمه‌و این‌علم‌نباشدارزان
هرکه‌راخواست‌خداداده‌حکمة‌جملست سوی‌این‌خیرکثیرازجمل‌آئی‌آسان
نگرازوجه‌جمل‌سرحقیقة‌را خوش معنی‌خیرکثیر این بوداندرعرفان
جانب سرحقیقة نگر از وجه جمل تاکه‌بی‌پرده‌ازاین‌پرده‌کندروی‌عیان

(واما لفظیّه) که آنرا حروف ملفوظی وصوتی نیز نامند عبارت از ما یتلفظ به‌است چون الف با تا ثا جیم حا خا دال ذال را زا سین شین صاد ضاد طا ظا عین غین فا قاف کاف لام میم نون واو ها یا ملاحظه کن تمام کلمات وعبارات واقاویل سلف وخلف باختلاف لغات والسنه واصطلاحات من زمن ادم الی یوم القیمة تماما ناشی وحاصل‌میشود از حروف تهجی که متنشأن ومتکوّن است از نفس انسانی که باکمال بساطت چون بمقاطع ومخارج حروف بگذرد وباوضاع متخالفه ازحلق خارج شود از آن حروف متکوّن شودواز حروف کلمات واز کلمات کلامات واز کلامات منثورات واز منثورات منشدات متحقق میشود وبر انها آثار واحکام غیر متناهیه مترتب میگردد ومنشاء کل‌یك نفس بسیطاست ولطیف‌تر ازاین ملاحظه فرما ببین چگونه از نقطهٔ واحدهٔ بسیطه‌حروف مقطعات ومرکبات که مدار جمیع کتب سماویه واثار غیر متناهیه‌است ناشی وصادرمیشود واینحروف منقسم‌است نزد ارباب طلسمات و جفریات

واعداد به(منقوطه) که آنهارا [ناطقه] گویند (وغیر منقوطه) که آنهارا (صامته) گویند وبه (مفرد) و (مثانی) و(مثالث)باعتبار شریك داشتن ونداشتن وشریك متعدّد بودن ونبودن مثل دال وذال ورا وزا وعین وغین وسین وشین ومثل با وتا وثا وجیم وحا و خا ومثل الف ونون ولام ومیم وکاف ونحو ان مما لا یشارکه غیره فی‌الصورة ومیشود که مفرده‌را (محکم) وغیر مفرده‌را (متشابه) گویند وگاه باشد که صاحب نقطهٔ واحده‌را (مفرده) ودو نقطه‌را (مثانی) وسه نقطه‌را (مثالث) نامند

(مطلب دویم)

بدانکه بعض از حروف زبر آن زیاد تر از بیّنات آنست چون با تا ثا حا خا ذال را زا شین صاد ضاد طا ظا عین غین فا قاف ها یا وبعضی از حروف بیّنات آن زیاده از زبر آنست چون الف جیم دال کاف لام میم نون واو وبعضی مساوی‌الطرفین‌است که زبر وبیّنهٔ آن مساوی‌است چون(سین) که آنرا (حرف کامل) وحرف (انسان‌کامل) نیز نامند وگفته شده

(سین انسان چونکه خیزد از میان اول وآخر نماند غیر آن)

وآنچه در کتاب لسان الخواص گوید که (بعض الحروف یکون زبره اکثر من بیّناته فی الحساب ککل من حروف کلمن) بدیهی البطلان وظاهرة الفساداست بلکه بیّناته اکثر من زبره میباشد وشاید اشتباه از کاتب آن کتاب باشد (وایضا) بدانکه حروف‌را آنحائیست معروفه واسمائیست مشهوره آنچه تلفظ باسم آن بسه حرف میشود واوّل آن غیر آخر آن‌است (ملفوظی) گویند چون الف وجیم وآنچه اوّل وآخر آن یکی‌است (مسروری) خوانند مثل میم ونون و واو و (مستدیر) نیز گویند.وآنچه تلفظ در اسم آن بدو حرف میشود (ملبوبی) دانند

مثل با وتا وحروف (علیه) نیز گویند وآنچه که بما بعد خود متصل نمیشود (مفاصله) نام نهند چون الف ودال وذال و(مواصله) برخلاف اینست وآنچه که حرف تعریف در آن مدغم میشود (مدغمه) ومقابل ان (مظهره) است وسین‌را (کامله) گویند

(مطلب سیم)

در بیان اشتباه بعضی ازاعیان چنانچه یکی از اذکیاء جهان ومعروفین زمان در خصوص لفظ ها که آن‌را هی تلفظ فرموده چنانچه فرماید

(الله‌بود یك الفو هی‌و دو لام   زین اسم شریف دل گرفته آرام)

(از بینهٔ الـف علی را بطاب   وزهی ودو لام جومحمدرانام)

بینهٔ الف (لف)است وآن (۱۱۰)است علی نیز (۱۱۰) است واما بینهٔ ها الفاست که عدد مکتوبی آن (۱)است که‌باضافهٔ بینهٔ دولام(۸۳) میشود نه(۹۲) همچنانکه گمان کرده که بامحمد مطابق باشد وکشف‌مرام درزیادتی توضیح مقام بیاید (واما) آنچه ملا جلال دوّانی توّهم‌فرموده که از بینهٔ حروف‌الله علی بیرون آید آن‌نیز تمام‌نیست چنانچه فرماید

(اگر مرد رهی روشنی راه نگر   آیات علی ز جان آگاه نگـر)

(گر بینـه بر اسمش می طلبی   در بینـهٔ حـروف الله نگـر)

زیرا که بینهٔ الف (لف) وآن مطابق با [علی] است چنانچه گذشت وبینت دولام وها (۸۳) است وعلی (۱۱۰)است پس از حروف الله علی بیرون نیامد بلکه از یك حرف الله علی استخراج شده و شاید آنکه از بینهٔبینهٔها نیز ارادهٔ علی نموده وآن اگرچه درست‌است ولی علی کل حال از حروف الله که لفظ جمع‌است نتوان استخراج علی نمود زیرا که جمع فرموده واز مفـرد یا تثنیهٔ آن مطلوب بر آید وتواند بود که مصرع اخیر چنین باشد

(در بینهٔ زحرف الله نگر) پس دراینصورت اشتباه ازناسخ‌باشد [فافهم]

مقام دوم

در تطابق‌است مخفی نماند که بعضی از انطباقات مندرجهٔ این مجموعهٔ منیفه وبرخی از محتویات این زبـر لطیفه مقتبسـهٔ از رسـالهٔ شریفهٔ (مضیئی الاعیان) است بخصوصـه جلّی از تطـابق آیات قرآنیـه آن

(ازرهگذر خاکسر کوی‌شما بود   هرنافه که دردست‌نسیم سحرافتاد)

چنانچه مطابق جملهٔ از این مندرجات باهرات ومندمجـات زاهرات از منطبقات استادنا المؤتمن الفرید فی الفن والوحیـد فی الزمن آقـای حاجی سیدحسن کزازی کرمانشاهانی منظله‌امت وبسی رسائل ظریفه وصحائف طریفه در این فن بـزیور تصنیف در آورده آنچه بنظـر فاتر افقر رسیده (اسرار الکلم) (اشارة الکلم) (الف باء جدید) (جلوة الکمال) (حقیقة مطاب) (حکمة آل محمد) (سبیل الاقسط) (مهین کل) وآنچه بنظر قاصر احقر نرسیده زیاده از آن‌است

(هربوی که ازمشك‌وقرنفل‌شنوی   از دولت آن‌زلف‌چه‌سنبل‌شنوی)

ودراین مقام دویـم سه جـلوه‌است

(جلوهٔ اول)

درتطابق زبر بزبر بنام‌نامی حضرت ختمی مرتبهٔ صلوات‌الله علیه (نبی) (۶۲) (واجب‌دوم) (۶۲) (احمد)(۵۳) وجود اجل (۵۳) اجل‌وجود (۵۳) (لازم‌وجوداحمد) (۱۵۰) لازم‌ایجاداحمد (۱۵۰) ممکن[۱۵۰]

(قیل لی ماسم حبیبك قلت بین‌الناس احمد قیل محمود کیوسف قلت والمحمود احمد) سائل (۹۲) وجودحکمه (۹۲) جلوة الواجب (۹۲) اجمال وجوب (۹۲) وجه اکوان [۹۲] آیه وجه وجودالواجب [۹۲] آیهٔ وجه واجب الوجود [۹۲]

(نیست کس ایه‌مر وجه‌وجودالواجب جز محمد همه‌اوصافش از او گشته عیان)
(محمد) (٩٢) امان (٩٢) محمد (١٣٢) زیرا که در لفظ او یك میم
مدغم‌است (م ح م م د) الامین (١٣٢)
(لاسم خیر الرسل فضل عند ذی الفضل مبین فهو فی الخط امان وهو فی اللفظ امین)
(جلوهٔ دویم) در تطابق بیّنه بزبر بنام آنحضرت ص
بیّنهٔ (ملح) (٩٢) زبر (محمد) (٩٢)
(فما اعجز الافکار عن کنه وصفه وما اقصر التفسیر عن کل معناه)
[جلوهٔ سیّم] بنام پیغمبر ص باضافهٔ عدد دیگر (محمد وا) (٩٣)
اول جلوهٔ واجب (٩٣) واسطهٔ واجب (٩٣) (محمد و ٣)
(٩٦) اول موجود (٩٦) جلوهٔ وجه ازل (٩٦) (محمد و١٣)
(١٠٥) لباس واجب (١٠٥) (احمد و١٣) (٦٦) (وجود الایه) (٦٦)

مقام سیّم

ودر آن سه رشته‌است (رشتهٔ اول) در تطابق زبر بزبر بنام مبارك
مولی الموالی علی بن ابی‌طالب علیه السلام (وجودعلی) (١٢٩) ذنب‌الله
(١٢٩) بدل‌النبی (١٢٩) بقیّهٔ واجب (١٢٩) حاصل (١٢٩) معطی (١٢٩)
صلاح [١٢٩] علی بن ابی طالب (٢١٧) لایق جای نبی (٢١٧) ره
واجب (٢١٧) علة امکان (٢١٧) داروا‌جب (٢١٧) مصباح عبد (٢١٧)
مصباح کون (٢١٧) رابطه (٢١٧)
(رابطهٔ حق و خلق غیر علی ابن ابی طالب ار بود کسی دادی از این رتبه نشان)
(علی ابن ابی طالب) (٢١٨) نایب مناب نبی (٢١٨) پیرو (٢١٨)
امام مؤمن (٢١٨) صفة الواجب (٢١٨) آیهٔ رب (٢١٨) راه واجب
(٢١٨) باب مدینة الحکم (٢١٨) مصباح الوجود (٢١٨) (وجه علی)

(١٢٤) واجب امکان (١٢٤) آیهٔ حق (١٢٤) جنة‌الله (١٢٤) علة‌ایجاد
(١٢٤) واسطةالواجب (١٢٤) جمال‌ایجاد (١٢٤) جمال‌الوجود (١٢٤)
اجمل الایجاد (١٢٤) اجمل الوجود (١٢٤) جلوهٔ وجه الله (١٢٤)
محبوب‌الله (١٢٤) جلوهٔ علی ابن ابی‌طالب (٢٦٢) عنة مبقیه (٢٦٢)
قبول‌وجه علی (٢٦٢) (وجه علی ابن ابی‌طالب) (٢٣١) واسطهٔ‌ممکن
(٢٣١) ولاء علی‌بن ابی طالب (٢٥٦) لواء علی‌بن ابی طالب (٢٥٦)
نفس‌الله (٢٥٦) نور (٢٥٦) قصد وجود الواجب (٢٥٦) قصد واجب
الوجود [٢٥٦] ابن‌ابی‌طالب [١٠٨] جلوهٔ‌جلال (١٠٨) (اصحاب علی)
(٢١٢) اصحاب یمین (٢١٢) آیهٔ‌وجه‌علی (١٤١) عالم (١٤١) جلوهٔ
آیهٔ وجه‌الله (١٤١) (حب علی‌ابن ابی‌طالب) (٢٢٧) نعمة‌واجب‌الوجود
(٢٢٧) نعمة وجود الواجب (٢٢٧) (محبة علی) (١٦٥) نعمه (١٦٥)
(ولایة‌علی) (١٦٢) انعام (١٦٢) (ولایة علی‌ابن ابی طالب) (٢٧٠)
حصن الامان (٢٧٠) وجود علی‌ابن ابی طالب (٢٣٧) ایجاد علی
ابن ابی‌طالب (٢٣٧) قصدالواجب (٢٣٧) حبیب‌علی‌ابن‌ابی‌طالب (٢٤٠)
مقصود (٢٤٠) (محب‌علی) (١٦٠) اصحاب جنه (١٦٠) حب‌علی (١٢٠)
احسان (١٢٠) طعام (١٢٠) جنة‌واجب‌الوجود (١٢٠) جنة‌وجودالواجب
(١٢٠) وجوب‌صحة (١٢٠) تابع‌علی (٥٨٣) خمسهٔ‌طیبه (٥٨٣) محمد
علی فاطمه حسن حسین (٥٨٣)

رشتهٔ دویم

بنام مبارك آن سرور باضافهٔ عدد دیگر (علی‌وا) (١١١) کافی (١١١)
وسیله (١١١) امان ایجاد (١١١) ایمنی (١١١) (علی‌بن ابی‌طالب وا)
(٢١٨) علة‌ماسواه (٢١٨) سالك‌الی‌الله (٢١٨) زایر (٢١٨) صفة‌الواجب
(٢١٨) (علی‌ابن‌ابی‌طالب وا) (٢١٩) معلول‌الواجب [٢١٩]

ليس‌للواجب معلول سواه وسوى — صنوه‌الواحدفى‌الكون امان‌الاكوان
كان فى معلوله منه بيان لمـراد — ومن الواحد للـواحد اتمام بيان
فهمـا معلوله والخلـق معلولهمـا — وهمـا علّة امكان لما ياتى وكان

(ولاية على‌بن‌ابى‌طالب و١١) (٢٨١) باب‌المراد (٢٨١) بلدمراد [٢٨١] مراد اله(٢٨١) (وجه‌على‌و١٣) (١٣٧) قبله(١٣٧)

رشته سيم

درتطابق لفظ على سواى تطابق اول (اول من‌امن) (٢١٨) على‌ابن ابى‌طالب (٢١٨) (على) (١١٠) دومين (١١٠) سيم (١١٠) جلوة الله (١١٠) لباس واجب [١١٠] لابس وجوب (١١٠)

هو اعظم اسماى حق لم‌يزلى‌است — ها ثابت واو غايب‌اين‌رمزجلى‌است
ازبسط وترا فعش چه تعداد كنى — اسم عددش مطابق نام على‌است

محمد حى (١١٠) ميزان (١١٠) باب نجاة امه (١١٠) كمال ايجاد (١١٠) ايجاد كمال (١١٠) امن وجود (١١٠) امن ايجاد (١١٠) جمال اله (١١٠) اهل جمال (١١٠) جلال الهى (١١٠) بلد جمال (١١٠) صبيح (١١٠) مالك‌ايجاد (١١٠) مالك وجود (١١٠) يمين (١١٠) ولى‌دين (١١٠) بحق (١١٠)

(فى ميم محمد وفى عين علـى — معنـى بعـلاه مؤمن كل ولى)
(من عدهمـا بـا بجـد يلقهمـا — مجموعهمـا مطابق لاسم على)

قاعده

(عـلى بينى بهـر اسمى معيّن — بكن همچند اعدادش‌در اين فن)
(بيفزايك بكن درعشر مضروب — بطرح بيست بر بر يازده زن)

مقام چهارم

ودر او سه سنبـل‌است (سنبل‌اول) در تطـابق زبـر مولى الموالى

امير المؤمنين عـلى عليه السلام بزبر انبيـاء مرسلين عليهم السـلام (حبيب النبى عـلى (٢٢٥) آدم صفى (٢٢٥) (عـلى ولى اله) (١٩٢) نوح نبى‌الله (١٩٢) على امين (٢١١) اسماعيل (٢١١) على مـاخى (١٦٩) اسحق (١٦٩) الحبيب عـلى ولى الله (٢٧٥) ادريس (٢٧٥) عـلى اعـز (١٨٨) يعقوب (١٨٨) على ولى (١٥٦) يوسف (١٥٦) حبيب الزكى على ولى الله (٣١٢) ايوب صابر (٣١٢) على العالى (٢٥٢) سليمن نبى (٢٥٢) (يد الله على) (١٩٠) سليمن (١٩٠) (ابن‌ابى‌طالب على‌هادى) (٢٣٨) زكريا (٢٣٨) (الوصى زكى‌على) (٢٨٤) يحيى‌معصوم (٢٨٤) على ولى‌الله (٢٢٢) صالح‌البنى (٢٢٢) (حيدرعادل‌على‌بن ابى‌طالب) (٥٤٤) يوشع‌بن‌نون (٥٤٤) (امام‌ظاهر وباطن على‌معطى عادل) (٦٠٠) خضر (١٦٠٠) (على‌داعى) (١٩٥) الياس‌نبى (١٩٥) (المعطى‌على‌ولى‌الله) (٣٨٢) شعيب (٣٨٢) على‌العالم (٢٨٢) موسى‌كايم‌الله (٢٨٢) الحبيب الحبيب على‌بن ابى‌طالب (٣٢٣) هرون‌نبى (٣٢٣) الكامل على‌بن ابى طالب (٢٨٧) عزير (٢٨٧) واز اينجاست كه بعمار ياسر فرموده (باسمى تكوّنت الكائنات وباسمى دعى سايرالانبياء)

سنبل دويم

در تطابق زبر مولى الموالى على‌بن ابى‌طالب ٤ با بيّنات انبيأ مرسلين عليهم‌السلام (على‌حاكم) (١٧٩) داود (١٧٩) الماح‌على‌ولى‌الله(١٣١٢) ذوالكفل (١٣١٢) المؤمن على‌بن‌ابى‌طالب (٣٨٤) ذوالقرنين (٣٨٤) (الهادى على عالى) (٢٧٢) اليسع (٢٧٢) (على واهب) (١٢٤) يونس [١٢٤]

سنبل سيم

در تطابق بيّنات اميرالمؤمنين بابيّنات انبياء مرسلين (حبيب على‌ولى‌الله)

(۳۴۹) دانیال (۳۴۹) (العلی) (۲۹۰) هودلبی‌الله (۲۹۰)

من عین علی عیننا قد نظرت — واللام بها اذا النجوم انتثرت
والیاء اذا نظـرتها مفتکـرا — الفیت بها اذا السماء انفطرت

مقام پنجم

دراو سه طره‌است (طرهٔ اول) درتطابق بیّنات مولی علی‌بن‌ابی‌طالب ۴ بازبر وبیّنات انبیاء مرسلین علیهم‌السلام (الحبیب‌الهادی علی) (۲۱٤) لوط نبی (۲۱۴) (طرهٔ‌دویم) در تطابق‌زبر بابیّنات باضافهٔ (۱۱) عدد (علی‌بن‌ابی‌طالب و۱۱) (۲۲۸) لقمن (۲۲۸) طرهٔ‌سیم در تطابق مولی علی‌بن ابی‌طالب بابیّنات انبیاء مرسلین مع حذف مکررات (علی‌بن‌ابی‌طالب (۲۱۷) محمدرسول‌الله (۲۱۷) عیسی‌روح‌الله(۲۱۷) (الهادی‌علی) (۱٦۱) ابراهیم خلیل (۱٦۱)

تاصورت پیوند جهان بود علی‌بود — تانقش زمین بودو زمان‌بودعلی‌بود
هم‌آدم‌وهم‌شیث‌هم‌ادریس‌و هم‌ایوب — هم‌یونس‌هم‌یوسف هم‌هود علی‌بود
هم‌موسی‌هم‌عیسی‌وهم‌خضروهم‌الیاس — هم صالح پیغمبرو داود علی بود
مسجود ملایك که‌شدآدم زعلی شد — درقبله محمد بدو مقصودعلی‌بود

مقام ششم

دراو سه‌نمایش‌است (نمایش‌اول) درتوافق کتب سماوی آنچه معروف ومشهوراست باسم مبارك علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام (توریة) (٦۲۱) ولی‌الصادق‌الامین علی‌بن ابی‌طالب (٦۲۱) (الواح) (٤٦) ولی (۴٦) صحف (۱۷۸) ولی حبیب‌علی (۱۷۸) (زبور) (۲۱۵) علی عادل (۲۱۵) (انجیل) بیّنات او بحذف‌مکرر(۲۱۷) علی‌بن‌ابی‌طالب(۲۱۷) (فرقان) (٤۳۱) الحامی الماحی علی علام (۴۳۱) قـرآن (۳۵۱)

هوالامام‌الهمام علی (۳۵۱) (وانت‌الکتاب المبین‌الذی با حرفه تظهر المضمر)

نمایش دویم

در توافق اسامی گرامی هریك از ائمهٔ هدی بعداز اسقاط مکرر بنام مبارك علی‌ابن ابی‌طالب‌علیه‌السلام بطریق بیّنه (علی‌بن‌ابی‌طالب) (۲۱۷) امام حسن (۲۱۷) امام حسین (۲۱۷) امام زین‌العابدین (۲۱۷) امام محمدبن علی (۲۱۷) امام جعفر بن محمد (۲۱۷) امام موسی‌الکاظم (۲۱۷) امام‌علی‌بن‌موسی (۲۱۷) امام محمدبن‌علی (۲۱۷) امام‌علی‌بن محمد(۲۱۷)امام‌حسن‌العسکری (۲۱۷) امام م ح م د ابن‌الحسن(۲۱۷)

نمایش سیم

در تطابق آنچه ملاحظه شود با نام مبارك علی بن ابی طالب چنانچه خوفا من‌الاطالة ببعضی ایماء میشود (عرش) بینات او (۱۲۱) هو علی (۱۲۱) (کرسی) (۳۹۰) الزکی علی ولی‌الله (۳۹۰) (لوح) زبر وبینـات او (۹۳) ولی والی (۹۳) (قلم)(۱۷۰) ولی‌واهب‌علی (۱۷۰) (میزان) (۱۰۸) ابن‌ابوطالب (۱۰۸) صراط (۳۰۰) الوالی علی ولی‌الله (۳۰۰) (جنه) زبروبینات او (۱٦۵) الحبیب علی ولی‌الله (۱٦۵)

کتاب فضل ترا آب بحرکافی نیست — که‌تر کنی‌سرانگشت‌وصفحه‌بشماری

مقام هفتم

در استخراج حروف تهجی یعنی در تطابق حروف بیست هشتگانه بنام همایون علی بن ابی طالب علیه السلام بعضی از زبر وبعضی از بینه وبرخی از زبر وبینه وپارهٔ از بینه به بینه ودر او سه قسمت است

قسمت اول

(الف) بینهٔ الف (۱۱۰) علی (۱۱۰) ودوازده حرف دیگر که بینهٔ آنها الف‌است بیّنهٔ بیّنه موافق

نام علی‌است وحروف دوازده‌گانه‌این‌است (با تا ثا حا خا را زا طا ظا فا ها یا)

قسمت دویم

بدانکه از پانزده حروف دیگر که مکمل حروف بیست هشتکانه اند نام مبارك حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام ظاهر میشود بدین نوع (جیم) زبر وبیّنهٔ او (۵۳) ولی ابد (۵۳) (دال) زبر وبیّنهٔ او (۳۵) حبیب احد (۳۵) ذال [۷۰۰] وصی بحق وولی مطاق اله علی بن ابی طالب (۷۰۰) (سین) زبر وبیّنهٔ او با بیّنهٔ بیّنهٔ او (۱۷۷) والی هادی علی (۱۷۷)شین (۳۰۰) الوالی علی ولی الله (۳۰۰) ولی زکی علی بن ابی طالب (۳۰۰) (صاد) زبر وبیّنهٔ او با بیّنهٔ بیّنه (۲۳۶) حبیب حبیب اله علی ولی (۲۳۶) ضاد (۸۰۰) المحدث علی‌ابن ابی طالب (۸۰۰) [عین] زبر با بیّنهٔ او (۱۳۰) علی هادی (۱۳۰) غین (۱۰۰۰) وصی بحق بعد رسول الله بنص الجلی علی هادی(۱۰۰۰) (قاف) زبر وبیّنهٔ او با بیّنهٔ بیّنه بعد از اسقاط مکرر (۲۱۱) علی امین (۲۱۱) کاف (۲۰) هادی (۲۰) زبر وبیّنهٔ او (۱۰۱) امین (۱۰۱) وبا بیّنهٔ بیّنهٔ او (۲۱۲) علی وکیل اله (۲۱۲) (لام) زبر وبیّنه با بیّنهٔ بیّنه (۲۳۱)والی‌هادی‌علی‌بن‌ابی‌طالب(۲۳۱) (میم) زبروبیّنهٔ‌او بابیّنه بیّنه (۱۴۱) امام‌ماحی (۱۴۱) امام‌حامی (۱۴۱) اعلم (۱۴۱)علام(۱۴۱)عالم(۱۴۱)

قسمت‌سیم

بدانکه چون از بیّنات حروف تهجی حروف مکرر ساقط نمایند نام حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام ظاهر میشود باین‌دستور (لف ااا یم اا ال ال اا ین ین اد اد اا ین ین ا اف اف ام یم ون او اا) غیرمکرر (لف‌ای‌من‌دو) (۲۲۱) علی عالی (۲۲۱) علی کافی (۲۲۱) علّی اعلی (۲۲۱)

مقام هشتم

در حروف مقطعات قرآنیه‌است والله اعلم بمراده من الحروف المقطعة فانها من‌الاسرارالمکتومه کما قال‌الشعبی حین سئل عنها قال هو سرالله فلا تطلبوه والله تعالی لا یظهر علی غیبه احدا الا من‌ارتضی من رسول او وارث رسول (وفی‌الحدیث) ان‌من‌العلم کهیئةالمکنون لایعلمه الاالعلماء بالله فاذا نطقوا به لاینکره الا اهل‌الغرة بالله رواه ابومنصورالدیلمی وابو عبدالرحمن السلمی کما فی‌الترغیب قال الرقاشی هی اسرارالله‌ بیّنها الی امناء اولیائه وسادات‌النبلاء من‌غیر سماع ولادراسة وهی من‌الاسرار التی لم یطلع علیها الاالخواص کما فی‌فتح‌القریب (وبعضی این‌علم باسراررا علم‌الباطن نامیده‌اند چنانچه درخبراست (سئل عن‌النبی ص عن علم‌الباطن فقال علم بین‌الله وبین اولیائه لم یطلع علیه ملك مقرب) ودر این مقام سه‌سراست سراول بیّنات بسم‌الله الرحمن الرحیم بعداز اسقاط مکرر (۲۱۷) علی‌بن‌ابی‌طالب (۲۱۷) سردویم فواتح سور را شمرده پس‌از اسقاط مکرر آنچه باقی ماند این چهارده حرف‌است(ص را ط ع ل ی ح ق ن م س ك ه)که علماء حروف آنرا حروف نورانیه وحروف سعیده خوانند که منطوق آنها (صراط علی حق نمسکه) میباشد (ملاجلال دوانی) علیه‌الرحمه فرماید

در شان علی آیهٔ بسیار آمد — یارب که شنیدو کی‌خریدار آمد
انکس که‌شنیدو دید مقدار علی — چون حرف مقطعات ستار آمد

واز اینجاست که گفته‌اند (سرالله مودعا فی کتبه وسرالکتب فی‌القرآن لانه‌الجامع المانع وفیه تبیان کل شیئی وسرالقرآن فی حروف المقطعة فی‌اواٮل السور) وشاهد این‌سر عظیم خود سرالله الاعظم فرماید قلا

عن المجمع انه قال (لكل كتاب صفوة وصفوة هذا الكتاب يعنى المصحف حروف التهجى) (سر سيم) از منشدات ملا جلال دوانی علیه رحمة الباری

فانی الف است احد از او جوی مدد — و انکه بشمار بیناتش بعدد
بنگر که علی است فالعلی سر الله — اذ قال الله قل هو الله احد

واز شواهد این سر است که عقل کل وهادی سبل صلی الله علیه واله وسلم فرمود (مثل علی بن ابی طالب فیکم مثل قل هو الله احد فی القران)

مقام نهم

ودراو سه نکته است [نکتهٔ اول) قولی است از امام همام علی ابن ابی طالب علیه السلام که حق تعالی صد و چهارده کتاب از آسمان فرو فرستاد وتورية وانجیل وزبور وفرقان را ازانها بر گزید وعلوم همهٔ کتابهارا درایشان درج کرد وپس ازاین چهار قرآن را بر گزید وعلوم وثواب ونجات دنیا وآخرت را در آن مندرج ساخت وبعداز آن همهٔ علوم انرا جمع نمود درسورههای مفصل که از سورهٔ محمد است تا آخر قرآن وبعداز آن فاتحه را اختیار نمود وهمه را دراو جمع کرد وبعداز آن همهٔ آن علوم را دربسم الله الرحمن الرحیم درج نمود وبعداز آن همه رادر باء بسم الله وضع نمود پس آنحضرت فرمود که من ان نقطهام که درزیر باء است وکلمهٔ معروفهٔ منسوبه بحضرت ولی الله علیه صلوات الله که فرمود (ظهرت الموجودات عن باء بسم الله وانا النقطة التی تحت الباء) ودرقیل دیگر (جمیع ما فی القرآن فی باء بسم الله وانا النقطة تحت الباء) مؤید مایقال ومصحح اقوال است وبهمین معنی فرمودهاند (بالباء ظهر الوجود وبالنقطة تميز العابد من المعبود) یا انکه (عن الباء ظهر الوجود وبالنقطة تبین العابد عن المعبود) جای دیگر (بالباء عرفه العارفون ومامن شیئی الا والباء مکتوبة علیه) پس آنچه در همهٔ کتب منزلهٔ سماویه است در قرآن است وآنچه

در قرآن است در سورهٔ حمد است و آنچه در حمد است در بسم الله الرحمن الرحیم است وآنچه دربسم الله الرحمن الرحیم است در باء بسم الله وامیر المؤمنین فرمود منم آن نقطهٔ زیر باء واز اینجاست که کفتهاند

(علی سر خدایست وکسی پی نبرد سر خدارا — یارب بالالف التی لم تعطف
وبنقطة هی سر کل الا حرف — ثبت علی هدای واتمم نوره
یامن به اصحب عنی مکتفی

نکتهٔ دویم

اینکه حروف معجمه نقطه دارند برخلاف سایر حروف البته حکمتی وسری دارد چنانچه گویند مولی الموالی فرماید (سر الکتب المنزلة فی القرآن وسر القرآن فی فاتحة الکتاب وسر فاتحة الکتاب فی بسم الله الرحمن الرحیم وسر بسم الله الرحمن الرحیم فی نقطة تحت الباء وانا نقطة تحت الباء) شیخ عبدالوهاب ابن احمد شعرانی در کتاب میزان روایت کند (قال علی علیه السلام لوشئت لاوقرت لکم ثمانین بعیرا من علوم النقطة التی تحت الباء) فرمود اگر بخواهم در معنی باء بسم الله هشتاد بار شتر کتاب بنویسم میتوانم (وعن ابن عباس ان علیا فسرلی باء بسم الله من اول اللیل الی آخره وماتم تفسیره) اگر نقطهٔ زیر باء یا نقاط دیگر درحروف معجمه فائده وخاصیتی نداشت عالم علم سلونی قبل ان تفقدونی چنین فرمایشی نمیفرمود

نکته سیم

اسم مبارك علی علیه السلام مشتق از اسم خداست که عرب بهمین نام شریف (علی) خوانندش واهل طایف (حمید) یا (تحمید) درمکه (باب البلد) درعراق (امیر النحل) در رقم آسمانی (احد) ودر آسمانهای هفتگانه بدین ترتیب موسوم است (عبدالحمید) (عبدالمجید) (عبدالصمد) (ذوالعلی) (مزکی) (ابوالعلی) (عبدالعلی) (ذات العالی) (رب العلی) (علی الاعلی) وحضرت باری اورا در مسندعزت

نشانیده و(امیرالمؤمنین) نام نهاده وعجم‌نیز باین‌اسم شریف میخوانندش ولیکن در زبور (اری) در تورية (بريها) و (ايليا) در انجيل (اليا) (وشنطيا) درقرآن (هل‌اتی) ودرنزد اهل‌هند (گلبن) درنزد اهل‌روم (بطریسا)درخطا (برلیا) درفارس (جیبر) وترك (تیبر) وزنجیان(خیبر) و(معیلا) وکاهنان(ابوی) وحبشة (تبریك) وارامنه(فریق) وفرنك(مجیلان) ودایه‌اش (میمون) ومادرش (حیدر) و (ابوالبشر) و (ابوالعز) وپدرش (زهیر) و (ابوالحسن) وخواجۀ دوسرا (ابوتراب) ودر قرآن نیز از برای انسرور اسامی‌مختلفه ذکرشده چنانچه بیاید ابن‌بابویه در کتاب معانی‌الاخبار آورده (صعد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام علی‌المنبر فقال ایهاالناس اسبونی فمن فنی فلیسبینی والا فاناانسب نفسی فانا زید ابن‌عبدمناف بن‌عامر بن‌عمرو بن المغیرة بن زید بن کلاب فقام ابن‌الکوا فقال له هذا مانعرف‌لك نسبا غیر انك علی ابن ابی‌طالب بن عبدالمطلب بن‌هاشم ابن‌عبدمناف بن‌قصی بن‌کلاب فقال‌له یالکع ان ابی سمانی زیدا باسم جده قصی‌واسم‌ابی عبدمناف فغلبة‌الکنیة علی‌الاسم وان اسم عبدالمطلب عامر فغلبت‌اللقب علی‌الاسم واسم هاشم عمرو فغلبت‌اللقب علی الاسم واسم عبد مناف المغیره فغلب‌اللقب علی الاسم وان اسم قصی زید فغلبت اللقب علی الاسم) ومثال ضرب زید عمرا اشاره بدان‌است (لکع) خسیس و بخیل و ذلیل و کودك خرو خرکره‌است

زالقاب ان شاه والاتبار — ندانم کدامین نمایم شمار
لقبهای شایستۀ بوتراب — نگنجدبچندین‌هزاران کتاب
اگر جمع کردندجن‌وملك — ورق آورند ازطباق فلك
قلم گرددا شجارو دریامداد — نیارند حرفی‌ازان شاه یاد

مقام دهم

درمقامع آورده که ازمشاهیر نتایج‌ابکار افکار محمدبن‌الحسن نصیرالدین طوسی مشهور بخواجه‌علیه‌الرحمه تطبیق آیۀوافی هدایۀ (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا) میباشدکه از زبر وبیّنات‌او اسامی‌حضرت‌رسول وحضرت‌امیر بایازده فرزنداواستخراج فرموده باین‌طریق (انما) زبراو (۹۲) محمد (۹۲) بیّنات او (۳۲٦) وصی‌بحق‌علی (۳۲٦) (یریدالله) زبراو (۲۹۰) بیّنات‌او (۲۲۷) مجموع زبروبیّنات (۵۱۷) وامام‌الهمام‌الحسن ابن‌علی (۵۱۷) (لیذهب) زبراو (۷۴۷) بیّنات‌او (۷۵) مجموع (۸۲۲) والامام‌الکامل ابوعبدالله الحسین ابن‌علی ابن ابی‌طالب (۸۲۲) (عنکم) زبر او (۱۸۰) بیّنات‌او (۲۴۷) مجموع (٤۲۷) امام‌علی زین‌العابدین (٤۲۷) (الرجس) زبراو (۲۹۴) بیّنات‌او (۲٦۲) مجموع (۵۵٦) ماحی‌کفروحامی‌اسلام(۵۵٦) (اهل‌البیت) زبراو (۴۷۹) بیّنات‌او (۳۰٦) مجموع (۷۸۵) محمدالباقروجعفر (۷۸۵) (ویطهرکم) زبراو (۲۹۰) بیّنات‌او [۱٤۲] مجموع (۴۳۲) وامام‌موسی وعلی ومحمد جواد (٤۳۲) (تطهیرا) زبر او |٦۲۵| بیّنات‌او (۱۱۵) مجموع (۷٤۰) والنقی‌والعسکری‌والمهدی‌الهادی (۷۴۰) ومولد درکشف مرام وزیادتی در صدق مقام در مقام چهاردهم در آیۀ چهل ششم بیاید

مقام یازدهم

درشناختن اثناعشریات‌است گرچه محصوران بود مسور لیکن لایترك المعسور بالمیسور واکتفامیشود بیرخی‌یسیر ولا ینبئك مثل خبیر واینهم سری ازاسرار ولایةاست (اول) اسماء ثلاثۀظاهره که‌محتاج بهمخلوق‌است دوازده حرفاست (ا ل ل ه ت ب ر ك ت ع ل ی) (دویم) ارکان

كلمهٔ توحيد دوازده حرفاست (ل ا ا ل ا ه ا ل ا ل ل ه) (سيم) اركان كلمهٔ رسالت دوازده حرفاست (م ح م د ر س و ل ا ل ل ه) (چهارم) اركان كلمهٔ خلافت (ع ل ى خ ل ى ف ة ا ل ل ه) (پنجم) كلمهٔ امارت (ا م ى ر ا ل م ؤ م ن ى ن) (ششم) حجب دوازده ميباشد (١) حجاب قدرة (٢) حجاب عظمت (٣) حجاب عزت (٤) حجاب هيئة (٥) حجاب جبروت [٦] حجاب رحمت (٧) حجاب نبوت (٨) حجاب كبرياً (٩) حجاب منزلة (١٠) حجاب رفعة (١١) حجاب معادت (١٢) حجاب شفاعت (هفتم) انكه هر يك ازاين اسماً مركبه دوازده حرفند (لااله الاالله) (الرحمن الرحيم) (الحميد المجيد) (الرؤف الرحيم) (الحنان المنان) (الخالق البارى) (الواحد الكريم) (الواحد القهار) (الظاهر الباطن) (التواب الوهاب) (الفتاح الرزاق) (المحسن المجمل) (المنعم المفضل) (الباعث الوارث) (ديان يوم الدين) (هشتم) هريك از اسامى انبياً مرسلين دوازده حرفاست (آدم خليفة الله) (نوح خالصة الله) (موسى كليم الله) (عيسى مسيح الله) (محمد حبيب الله) (واين حديث شريف دوازده حرفاست) (لانبى بعداحمد) (نهم) هريك از اسماً والقاب ائمهٔ هدى دوازده حرفاست (على بن ابى طالب) (امام حسن مجتبى) (امام حسين شهيد) (زين العابدين على) (امام محمد باقر) (امام جعفر صادق) (امام موسى كاظم) (امام على الرضا) (امام محمد جواد) (امام على النقى) (امام حسن عسكرى) (امام م ح م د مهدى) (دهم) اسباط دوازده اند (١) يهودا (٢) روبيل (٣) شمعون (۴) لاوى (٥) ريالون (٦) يشجر (٧) دينه (٨) دان (٩) يفتالى (١٠) حاد (١١) شر (١٢) بنيامين (يازدهم) حواريون دوازده اند (١) اسيمون المدعو بطرس (٢) برادراو الدرباس (٣) يعقوب

ابن زيدى (٤) برادراو يوحنا (٥) فيلبوس (٦) بارثولوماوس [٧] توما (٨) متى الغشار (٩) يعقوب بن حلفا [١٠] لياوس المدعو تداوس (١١) تيمون القانونى (١٢) يهودالاسخريوطى (دوازدهم) ائمه دوازده اند (١) على (٢) حسن (٣) حسين (٤) على [٥] محمد (٦) جعفر (٧) موسى (٨) على (٩) محمد (١٠) على (١١) حسن (١٢) م ح م د (سيزدهم) نقباء دوازده ميباشند (١) سعدبن عباده (٢) سعيدبن زراره (٣) سعدابن الربيع (۴) سعدبن خيتمه (٥) منذربن عمر (٦) عبدالله بن رواحه (٧) براثن ابن معرور ابوالهشيم ابن التيهان (٨) اسيدبن حضير (٩) عبدة بن عمروابن خزام (١٠) عبادة بن الصامت (١١) رافع بن مالك (١٢) ابوامامه (چهاردهم) هريك ازاسم ولقب چهارده معصوم دوازده حرفند (١) محمد رسول الله (٢) على باب الهدى (٢) فاطمه امة الله (۴) الحسن المجتبى [٥] الحسين الشهيد (٦) امام العابدين (٧) الامام الباقر (٨) الامام الصادق (٩) الامام الكاظم (١٠) امام على الرضا (١١) محمد ابن الرضا (١٢) على ابن الجواد (١٣) الحسن العسكرى (١۴) المهدى الهادى (پانزدهم) هريك ازاين جمل دوازده حرف ميباشند (النبى المصطفى) (الصادق الامين) (البشير النذير) (السراج المنير) (الامام الاولى) (على بن ابى طالب) (امير المؤمنين) (العروة الوثقى) (امين الله حقا) [فاطمهٔ بنت محمد] (البتول الزهرا) (وارثة النبيين) (الامام الثانى) (الحسن المجتبى) (وارث المرسلين) (الامام الثالث) (الحسين ابن على) (خليفة النبيين) (ووالدالوصيين) (الحسن والحسين) (الامام الرابع) (الامام السجاد) (على بن الحسين) (امام المسلمين) (وسيد العابدين) (الامام الخامس) (الامام الباقر) (ابومحمد بن على) (امام المؤمنين) (الامام السادس) (الامام الصادق) (الجعفر بن محمد) (قدوة الصديقين) (الامام السابع) (الامام الكاظم)

(الموسی بن جعفر) (الامام الثامن) (علی ابن الکاظم) (الامام التاسع) (الامام الجواد) [هو محمد بن علی] [محمد بن الرضا] (خلیفة المنتجبین) [الامام العاشر] [الامام الهادی] (علی ابن الجواد) (هو علی ابن محمد) (وارث الوصیّین) (امام الحادیعشر) (الحسن العسکری) (امام العساکر) (الامام الخاتم) (القائم الهادی) (محمد ابن الحسن) (خلیفة النبیّین) (وخاتم الوصیّین) (هؤلاء العترة) (عترة المیامین) (بنو عبد المطلب) (سادة اهل الجنة) (محبهم مؤمن تقی) (محبهم فی الجنة) (فی الجنة مخلدا) (عدوّهم کافر شقی) (فی النار مؤبدا). (هم هداة الخلق) (اللهم صل علیهم) (بافاضل صلواتك) (یارب العالمین) ﴿شانزدهم﴾ بروج دوازده‌اند (۱) حمل (۲) ثور (۳) جوزا (۴) سرطان (۵) اسد (۶) سنبله (۷) میزان (۸) عقرب (۹) قوس (۱۰) جدی (۱۱) دلو (۱۲) حوت ﴿هفدهم﴾ تحویل سنین (فارسیّه) (۱) موش (۲) گاو (۳) پلنگ (۴) خرگوش (۵) نهنك (۶) مار (۷) اسب (۸) گوسفند (۹) حمدونه (۱۰) مرغ (۱۱) سك (۱۲) خوك (ترکیّه) (۱) سیچقان (۲) اود (۳) پارس (۴) توشقان (۵) لوی (۶) ایلان (۷) یونت (۸) قوی (۹) بیجی (۱۰) تخاقوی (۱۱) ایت (۱۲) تنگوز ﴿هیجدهم﴾ شهور دوازده‌اند (عربیّه) (۱) محرم [۲] صفر [۳] ربیع الاول [۴] ربیع الثانی (۵) جمادی الاولی (۶) جمادی الثانیه (۷) رجب (۸) شعبان (۹) شهر رمضان (۱۰) شوال (۱۱) ذی القعده (۱۲) ذی الحجه (رومیّه) (۱) تشرین الاول (۲) تشرین الاخر (۳) کانون الاول (۴) کانون الثانی (۵) شباط (۶) آذار (۷) نیسان (۸) ایار (۹) حزیران [۱۰] تموز [۱۱] آب (۱۲) ایلول ﴿فرسیّه﴾ (۱) فروردین ماه (۲) اردی بهشت ماه (۳) خردادماه (۴) تیرماه (۵) مردادماه (۶) شهریورماه

(۷) مهرماه (۸) ابان ماه (۹) آذرماه (۱۰) دیماه (۱۱) بهمن ماه (۱۲) اسفندارماه (روسیّه) (۱) ینوار (۲) فیورال (۳) مارت (۴) آپریل (۵) مای (۶) ایون (۷) ایول (۸) آوگوست (۹) سینطیابر (۱۰) اوکطیابر (۱۱) نویابر (۱۲) دیکابر (نوزدهم) ساعات دوازده‌اند (لیلیّه) (۱) شفق (۲) غسق (۳) عتمه (۴) سدف (۵) هجمه (۶) زواله (۷) زلفه (۸) اصیل (۹) سحر (۱۰) فجر (۱۱) صبح (۱۲) صباح (نهاریه) (۱) شروق (۲) بکور (۳) غدو (۴) ضحی (۵) هاجره (۶) استواء (۷) ظهیره (۸) رواح (۹) عصر (۱۰) غروب (۱۱) مغرب (۱۲) عشاء (بیستم) اسماء مراتب عدد دوازده‌اند ازیکی تاده ویازدهم صد ودوازدهم هزار وازلطایف نکات این مقام است انکه درکلمهٔ طیّبهٔ توحیدیه اعنی (لااله الاالله) حرفی غیرحروف اسم اعظم الله نیست چه مادهٔ ترکیبش الف ولام وهااست پنج ل وپنج ا ودو ه مجموع دوازده (بیست یکم) کلمهٔ شریفهٔ اسلامیّه دوازده حرف است (محمد رسول الله) وکلمات ایمانیّه دوازده‌اند (علی وصی الرسول) (علی امام الوری) (علی مظهر الهدی) (بیست دوم) زیارت اثناعشریات این زیارت مطلقهٔ مختصره ئیست که هریك ازائمه علیهم السلام را بان میتوان زیارت نمود ونام این زیارت اثناعشریه است زیراکه هرفقرهٔ آن بدون حرف عطف دوازده حرف است واین بدیعه ازمنشدات شیخ العلماء العاملین شیخ بهاء الدین است (سلام الله علیکم) (اهل بیت العصمة) و(مفاتیح الرحمة) و(الاوصیاء بالحق) و(الهادون للخلق) و(سلام الله علیکم) (معالم دین الله) و(معادن حکمة الله) و(مظاهر لطف الله) و(مخازن علم الله) و(مهابط وحی الله) و(حملة کتاب الله) و(خلفاء رسول الله) (سلام الله علیکم) (اعلام الهدایة) و(اقطاب الولایة) و(انوار الملکوت) و(اسرار اللاهوت)

و(ينابيع العلوم) (عن الحى القيوم) (سلام الله عليكم) (مصابيح الظلام) و (سادات الاسلام) و(هداة دار السلام) و(ائمة كل الانام) و(رحمة الله وبركاته) (عليكم اجمعينا) فانظر بعين الاعتبار الى ادوار الاقدار كيف جرت بهذه الاسرار بمشيئة الملك المختار ذلك تقدير العزيز العليم لايدركه الا ذو ذوق سليم وكذلك يضرب الله الامثال وله المثل الاعلى

مقام دوازدهم

در او سه عجيبه ويك اعجب العجايب است (عجيبهٔ اوّل) اعداد اسمأ ائمهٔ اثناعشررا جمع نموده و(١٣٦) مرتبه دوازده دوازده طرح نموده دوازده عدد باقى ميماند على(١١٠) الحسن(١٤٩) الحسن (١۴٩) (لانهما حسنان) على(١١٠) محمد(٩٢) جعفر(٣۵٣) موسى(١١٦) على(١١٠) محمد(٩٢) على(١١٠) الحسن(١۴٩) م ح م د (٩٢)

عجيبهٔ دويم

اعجب از آنكه اسماء ائمه عليهم السلام را پس ازطرح (١٢) (١٢) دوازده عدد باقى ميماند القاب ائمه را نيز اگر (۵۵٨) مرتبه (١٢) (١٢) طرح نمائيم دوازده عدد نيز باقى ميماند بدين دستور المرتضى (١۴٨١) المجتبى (٤٦٨) الشهيد بكربلا (۶٠۵) زين العابدين (٢٣۵) الباقر(٣٣٤) الصادق(٢٢٦) الكاظم(٩٩٢) الرضا(١٠٣١) التقى (۵۴١) النقى(١٩١) العسكرى(٣٩١) القائم(١٨٢) (عجيبهٔ سيّم) اعجب ازاعجب آنكه مجموع اعداد كناء ائمه عليهم السلام را اگر بشماريم و (١٣٣) مرتبه (١٢) (١٢) طرح نمائيم دوازده عدد باقى ماند بدين طريق ابوالحسن (١۵٨) ابومحمد (١٠١) ابوجعفر (٣٦٢) ابوعبدالله (١۵١) ابى ابراهيم (٢٧١) ابوالحسن (١۵٨) ابوجعفر (٣٦٢) ابوالحسن (١۵٨) ابومحمد (١٠١) ابوالقاسم(٢٤١) (اعجب العجائب) اعجب تر از اعجب آنكه

اسماء ائمهٔ اثنا عشر عليهم السلام كه درتورية وصحف انبياء مرسلين است هرگاه جمع نمائيم و (۵٨١) مرتبه (١٢) (١٢) طرح نمائيم دوازده عدد باقى ميماند بدين قسم ايليا (۵٢) قيذار (١٠١١) اذوبيل(٧۵٧) مفسام(٢٢١) شناع(٤٢١) اذوما (٧٤٨) ميشا (٣۵١) (هذاذ) (١٤٠٦) قيمشا (۴۵١) يطر (٢١٩) لاقيش (٤۴١) واقيذماه (٨۵٨)

مقام سيزدهم

دردانستن بعضى از رموز اسم اعظم كه ازدانستن علم زبر وبينات توان حل پارهٔ ازمشكلات نمود البته هر كس براندن اسب اقتباس انوار درميدان اين اسرار گوى امعان نظر از چوگان حقيقة اين اشعار ربود احاطهٔ بتمام اقسام اسماء ستار وانواع نامهاى مالك مختار از محيط غير محاط ومحاط غير محيط ومحاط ومحيط هر سه نمود وهولشيخنا بهاء الدّين عطر الله مرقده ونوّر مضجعه

اى دوعالم بيك امراز تو تمام — كاينات از تو بتنسيق و نظام
هرچه برخواست ازاين تسع بساط — وانچه پيداست ازاين هفت رباط
همه ازجود تو دارند وجود — پيش ذاتت بركوع و بسجود
چون بهشتى زتو در آثاريم — چشم برلطف عميمت داريم
نزد اهل خرد واهل عيان — حرف جيم و عدد اوست چه جان
يعنى اسماء حروف ار نبود — سرّ دعوات مقرر نشود
اثر اسم بهر اندازه — گر بخوانند بهر آوازه
هيچ شك نيست كه دراسرع حال — باجابة برسد بى اهمال
كنج اساى الهى حرف است — گوهر مخزن شاهى حرف است
سى وشش حرف كه در گفت وشنيد — كس بپايان رموزش نرسيد
اثرش نا متناهى بدوام — منتفع زوچه خواص وچه عوام
شارع عالم خاص جبروت — فاتح عالم ملك لاهوت
سرناسوت ازان در خطراست — جان لاهوت ازان درحذراست
نطق هرذره ازان در قال است — داند آن هر كه زاهل حال است
بس اثرهاست دراين عالم خاك — كه كند اهل معانى ادراك
هرچه پيداست دراين دير دوراه — نيست بى جلوهٔ اسماء الله

اسم اعظم که نهان از نظر است   عقلها جمله ازان بی‌خبر است
الف و یک اسم که دارد دادار   هریکی فائده‌ئی را در کار
یک از ان داشت یکی پیغمبر   پدر و مادر موسی از بر
مادر موسی عمران چون زاد   یعنی آن اسم بدختر بنهاد
لیک میداشت نهان از هر کس   پدرش بود در این عالم و بس
تا بفرمان خداوند جهان   یافت عمران شرف وصلت آن
شد از ان اسم مقدّس آگاه   که بود اعظم اسماء اللّه
کفت یارب بصفات این اسم   بحق حرمت ذات این اسم
که مرا ده ولدی با مقدار   صاحب معرفت و علم و وقار
نبی مرسل خود ساز او را   از ره مرتبه بنواز او را
داد او را پسری رب جلیل   که زد او جامهٔ فرعون بنیل
نوح از برکت این اسم و صفات   یافت از مهلکهٔ آب نجات
موسی از برکة این اسم بطور   یافت گفتار تجلّی با نور
عیسی این اسم چه برخواند اموات   یافتند از اثر اسم حیات
هرچه در عالم از این اسم بپاست   زانکه این اسم کنوز الاسماست
این در از نه صدف اسرار است   بی بدل چون گهر شهوار است
وه چه اسم است که بسیار کسی   نیستش بر سر این دست‌رسی
خاصیتهاش ندارد پایان   عارفان نیز بدان در تابان
رنج آفاق که نیک و بدحال   زان توان یافت بسنج اجمال
اسم خاصی است که اسرار جهان   هست در کنز حروفش بنهان
کس چه داند که چه اسرار است این   خاصهٔ زمرهٔ ابرا راست این
لفظ این اسم چه تکرار کنی   چون باداب و عدد کار کنی
قفل هر کار گشائی بمراد   کردی از فیض مداما دلشاد
چهارده حرف رساند این اسم   اولین انکه گشائی تو طلسم
دشمنت نیست شود چون سیماب   بند گردد بدمیدن سیلاب
گر بخوانی زسر صدق و یقین   کشف گردد همهٔ کنج زمین
جنیان با تو مصاحب کردند   اولیا جمله بتو پیوندند
جملهٔ خلق سر افکندهٔ تو   قیصر روم شود بندهٔ تو
همهٔ خلق حبیبت کردد   کیمیا نیز نصیبت گردد
هیچ علمی بتو مشکل نشود   یکزمان حق زتوغافل نشود
متصل باشی خندان دلشاد   دین و دنیای تو گردد آباد

لیک هر کس بطریق دیگر   دارد از حالت این اسم خبر
سر اسماء حروفش بتمام   نتوان گفت مبادا که عوام
مطلع گشته بدان کار کنند   خلق را بیهده آزار کنند
امر خاصان نتوان گفت بعام   تا نیابد اثرش جاهل خام
باشد از حسن عمل اهل کمال   چه بیابند از این اسم مجال
زو روند از پی انصاف بدر   وز بدیها بنمایند حذر
در عمل عزم بدیها نکنند   فکر در باب ردیها نکنند
بوخوا گفت حق اندر تورية   درصحف گفت خدایش بخوات
حنه در سورهٔ انجیل بخوان   بدرستی که همان است همان
هست درمصحف مابعد سه میم   در میانهای سور در حامیم
عدد بینه‌اش هفتاد است   این هم از قاعدهٔ استاد است
خوانده طیّوم دگر یک قیّوم   مغربی گفت که هست او هیّوم
هست مشهور عرب بر جانه   عجمی کفت ورا برخانه
دیلمی کرد رقم کاملنا   باز جمعی دکرش راحلنا
نجیه قوم دکر جاهر شا   هست بوخانه دگر طاهر شا
در احادیث و روایات و خبر   هر یکی راست طریق دیگر
گرچه این اسم بسی مشهور است   لیک اینخانه چنین منظور است
سال عمرم چه باخر برسید   فکرتم پرده از این رمز کشید
از ذخائر که کنوز الاسماست   بنده این اسم درآوردم راست
بهر آسانی ارباب طلب   کردم اینکار به آداب و ادب
خواستم تاکه در این علم بکام   بنهم بر قدم مردان کام
للّه الحمد که توفیق احد   داد وز این هنرم فیض مدد
من در این علم بسی بردم رنج   که طلسمات گشودم زین کنج
سر این گنج گهر بگشودم   گوهرش بین که عیان بنمودم
حوریانرا همه بی‌ستر و نقاب   بنمودم بر کل احباب
بهر طلاب گشودم سر گنج   نقد زین گنج نمودم بی‌رنج
گوهر از کان عمل بنمودم   پرده از چهرهٔ او بگشودم
مزد مردیکه از این معدن خاص   گوهرش را چه بیابد بخواص
عمل خیر به بنیاد کند   از بهائی بدعا یاد کند
غرض اینست که ارباب طلب   نکنند از پی مقصود تعب
این قواعد چه سراسر خوانند   بهر ما فاتحهٔ بر خوانند

چون از این اسم بیابند اثر   تروند از ره انصاف بدو
ای که‌خواهی بودت علم‌وعمل   تاشود مشکل ازاین علمت‌حل
گوش‌جان بازکن‌و دیدهٔ دل   تاکنم بهر توحل این مشکل
گر ترا میل بتقریر من است   برگشا گوش که‌وقت‌سخن‌است
سخنم گوهر گوش دل کن   گوهر گوش خرد حاصل کن
اگر از علم پی اللّهی   بی تعلّم سبقی می‌خواهی
بهر طلاب ازاین‌نسخه شرف   کاملان‌راست‌دراوچند شکرف
من از این طایفه دارم سبقی   خوانده‌ام دربر ایشان ورقی
دررموزات که‌فکرم جلی‌است   از عطاهای نبی‌و ولی است
اسم او با سور قرآنی   متساوی‌است اگر میدانی
هشت‌حرف‌است بترتیب‌و نظام   بسط حرفیش چهل گشته‌تمام
نقطه‌اش نوزده ازروی جمل   هست چون‌مدخل باسط‌بعمل
اولش میم‌و چهارم لام است   سیّمش شهره دراین ایام‌است
طابود آخر شش‌حرف دراو   نکته سنجی که بفهمد نیکو
درسه‌جا مصدراسمش‌دال‌است   در سر آیهٔ از الفال است
اولش هفده آخر سین است   متصل درَ وسط یاسین است
قلب او باعث خوشحالیهااست   فتح‌ونصبش‌همکی‌لوزضیااست
شامل کلّی او دار حروف   جامع علّت آثار حروف
مخرج بیّنه‌اش هفتاداست   این همه قاعدهٔ استاد است
خوانم ادل که‌بیابد این‌رمز   نکتهٔ فارش رموزات بغمز
ای‌بهائی‌چه‌تواین‌کشف رموز   کردی و یافتی و نقد کنوز
بیش‌ازاین کاشف این‌رازمباش   راز پنهان کن‌و غماز مباش
هرکه‌اهلیّت این‌حالش هست   بدعاحاصل ازاین فالش‌هست
دم فروبند که نا اهل شریر   نشود زین روش خاص‌خبیر
من بتوفیق خداوند غفور   طالبان را بنمودم دستور
اصل‌وفرعش بنمودم به‌رموز   فاش کردم بهمه نقد کنوز
به بهائی همه از صدق‌و صفا   بکنند از ره اخلاص دعا

(انتهی کلامه رفع‌مقامه فنقول متشکرا بجمیع الحاملات ومترنمابالابیات)

الا ای‌طوطی گویای اسرار   مبادا خالیت شکر ز منقار
سرت‌سبزودلت‌خوش‌بادجاوید   که‌خوش‌نقشی‌نمودی‌ازخطیار
سخن سربسته‌کفتی باحریفان   خدارا زین معما پرده بردار

(فتحعلی‌شاه‌مغفور ازمرحوم حجةالاسلام‌شفتی این‌شعرخواجه‌را سؤال نمود)

بلبلی برگ گلی خوش رنگ‌درمنقار داشت
وندران برگ‌ونوا خوش‌ناله‌های زار داشت

(سیّد اعلی‌اللّه مقامه در جواب فرمود)

صاحبا در حالتیکه این بنده غم‌بسیار داشت
یادم آمد زان‌سؤالی کان‌عزیز اظهار داشت
مطلب خواجه از این آیاچه میباشد که‌گفت
بلبلی برگ‌گلی خوش رنگ درمنقار داشت
فکر بسیاری نمودم لیك معلومم نشد
زانکه درشعرش بطون اسرارها بسیارداشت
نیم شب غوّاص گردیدم ببحر ابجدی
تا ببینم این صدف آیا چه در دربار داشت
بلبلی برگ گلی شد سیصدو پنجاه شش
با علی با حسین با حسن معیار داشت
برگ گل باشد نشان از حالت شاه حسن
زانکه در وقت شهادت سبز در منقارداشت
بلبلی باشد علی کز حسرت آن برگ گل
روزشب اندرفغان خوش نالهای زار داشت
رنگ گل باشد نشان از حال شاه کربلا
چونکه در وقت شهادت عارض گلنارداشت
این حساب ابجدی و این دلیل ظاهری
این سخن را مدعی دیگر چرا انکار داشت

مقام چهاردهم

در رموز زبر آیات قرآنیه وکنوز بیّنات انوار فرقانیه‌است باب‌مدینةالعلم درنهج‌البلاغه فرماید (ان‌القرآن ظاهره‌انیق‌وباطنه عمیق‌لایفنی‌عجائبه ولا ینقضی‌غرائبه‌ولایکشف‌الظلمات‌الابه) هماناقرآن ظاهرش‌عجیب‌است‌وباطنش عمیق فانی‌نمیشودعجائب‌آن وازمیان نمیرود غرائب آن وروشن نمیشود تاریکیهاالابنورآن (ودرموضع دیگر ازکتاب‌مسطور فرماید) (ان‌هذا القرآن‌هوالناصح‌الذی لایغش‌والهادی‌الذی‌لایضل والمحدث‌الذی لایکذب)

همانا قرآن ناصحی است که در غش نمی اندازد و هدایة کننده ئیست که گمراه نمیکند و محدثی است که دروغ نمیگوید پس مطالعه نماینده گان منصفین بدیدهٔ بصیرت وانصاف بدون رشك واعتساف در عجائب معجزات زاهرات وغرائب اسرار باهرات اگر بصر گشایند واشارات ربانیّه وکلمات سبحانیّه را از روی قانون قاهرهٔ زبر وقاعدهٔ قاطعهٔ بیّنات امعان نظر نمایند بیابند که تمام آیات رحمت ناطق بحقانیّت اهل عصمت است چنانچه در عکس طرد است وخصم را جواب کافی وملزم مکفی است باملاحظهٔ تفاسیر مرقومه بطریق مانعة الخلو نه بدلخواه مردم علیل والله یقول الحق وهو یهدی السبیل (تفسیر ابو الفتوح)(تفسیر اهل بیت) [تفسیر امام فخر رازی] [تفسیر ابن مغاربی شافعی] (تفسیر ابو معاویه) [تفسیر احمد حنبل] (تفسیر برهان) و [تفسیر ضیاء النادی] تالیفین سیّد هاشم بحرینی (تفسیر تبیان) (تفسیر ثعلبی)(تفسیر جامع البیان)(تفسیر جواهر القرآن)(تفسیر جوامع الجامع) (تفسیر حدائق الیقین) (تفسیر حمید طویل)(تفسیر حلیاة الاولیاء) (تفسیر حافظ محمد شیرازی) [تفسیر خلاصة المنهج] (تفسیر سدی)(ابی شیرویه دیلمی در کتاب فردوس) [تفسیر طبری] (تفسیر علی بن ابراهیم) (تفسیر عسکری علیه السلام) (تفسیر علی بن احمد واحدی)(تفسیر کشاف) (تفسیر معالم التنزیل) (تفسیر منهج الصادقین) (تفسیر مجاهد)(تفسیر وکیع ابن جراح (مصحف ابن مسعود)(تفسیر نسفی) (مناقب خطیب خوارزمی) (تفسیر کاشانی)(مجمع البیان) (روح البیان) (تفسیر کشف البیان)(نزول القرآن) واین خادم فانی چند آیه از آن را ذکر می نمایم والماره مکنونهٔ سدرهٔ مخزونه را لوجه الله بر عباد مبذول میدارم تا قلوب مفتونه از اثمار اسرار مکنونه محروم نمانند که شاید برشحی از انهار اسرار که در لسان اخیار ساری شده فائز شوند بی انکه اجر ومزدی طلب نمایم (انما نطعمکم لوجه الله وما نرید منکم جزاء ولا شکورا) واین طعامیست که ارواح

وافئدهٔ منیره باو حیات باقیه یابند ولی مأمول ومرجو از ناظرین چنان است که تدبر وتفکر در آیات قرآنیه نمایند واعتبار بگیرند چه قرآن ابلغ است در کشف اعتبارات وعبر مولی امیر المؤمنین علیه السلام فرماید (تدبر آیات القرآن واعتبر به فانها ابلغ العبر) ونمیگویم آن را مگر از لسان حق وهو یرشد ویحق

(بلبل از فیض تو آموخت سخن ورنه نبود   این همه قول وغزل تعبیه در منقارش)

وآن مشتمل است بر (هفتاد وسه آیه)

آیهٔ اول

در سورهٔ فاتحه (الحمد لله رب العالمین) زبر او (۵۸۳) محمد علی فاطمه حسن حسین (۵۸۳)

آیهٔ دویم

(اهدنا الصراط المستقیم) زبر (الصراط المستقیم)(۱۰۱۲) حب رسول الله الاحد وعلی بن ابی طالب والحسن والحسین واولاده (۱۰۱۲) بیّنات (الصراط المستقیم) (۱٦۷٤) حب نبی الله وولیه الزکی وابنیهما وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومهدی الهادی (۱٦۷٤)

آیهٔ سیّم

در سورهٔ بقره (الذین یؤمنون بالغیب ویقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون) زبر (الغیب) (۱۰٤۳) امام الجامع بالحق ابو القاسم محمد بن الحسن المهدی الهادی (۱۰٤۳) بیّنات (الغیب)(۲۱۳) حبیب ودود محمد مهدی هادی (۲۱۳) (ایضا) هو الهادی محمد مهدی (۲۱۳)

آیه چهارم

(والذین یؤمنون بما انزل الیك وما انزل من قبلك وبالآخرة هم یوقنون) زبر (ما انزل) (۱۲۹) وجود علی (۱۲۹)

آیهٔ پنجم

(فتلقی آدم من ربه کلمات فتاب علیه انه هوالتواب الرحیم) زبر (کلمات) (٤٩١) محمد وعلی بن ابی طالب والهما واولادهم (٤٩١) بیّنات (کلمات) (٢٨٣) محمد حبیب وعلی واولاده (٢٨٣) مجموع زبر و بیّنه (٧٧٤) وهی محمد وعلی والفاطمه والحن والحسین واولاده (٧٧٤)

آیهٔ ششم

(و اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة وارکعوا مع الراکعین) زبر [الراکعین] [٣٨٢] محمد نبی وعلی ولی الله (٣٨٢) بیّنات (الراکعین) (٤٦٠) محمد حبیب نبی الله وعلی هادی ولی الله (٤٦٠)

آیهٔ هفتم

(واذابتلی ابراهیم ربه بکلمات فاتمهن قال انی جاعلك للناس اماما قال ومن ذریتی قال لاینال عهدی الظالمین) زبر (ذریه) (٩١٥) الحبیب محمد نبی الله وعلی بن ابی طالب واله المعصومین (٩١٥)

آیهٔ هشتم

(ومن الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رؤف بالعباد) زبر (من یشری نفسه) (٨٠٥) حاکم الهادی وصی رسول الله علی بن ابی طالب (٨٠٥) بیّنات (من یشری نفسه) (٢٨٧) هادی الواهب علی ولی الله (٢٨٧)

آیه نهم

(الذین ینفقون اموالهم باللیل والنهار سرا وعلانیة فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولاهم یحزنون) زبر (الذین) وضمیر (اموالهم) (٨٣٦) ولی عادل وصی رسول الله علی بن ابی طالب (٨٣٦) بیّنات (الذینهم) (٢٩٠) الزکی علی ولی الله (٢٩٠)

آیه دهم

(یریدالله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر) زبر (یسر) (٢٧٠) علی بن ابی طالب واولاده (٢٧٠) (عن العیاشی عن الثمالی عن الباقر ٤ فی قوله تعالی یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر قال ٤ الیسر علی ٤ وفلان وفلان العسر فمن کان من ولد آدم لم یدخل فی ولایة فلان وفلان (قال فی البحار) ای من یدخل فی ولایتهما انما هو شرك شیطان

آیهٔ یازدهم

درسورهٔ آل عمران (ومایعلم تاویله الاالله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا) زبر (والراسخون فی العلم) (١٢١٥) محمد المصطفی حبیب الله وهادی علی ولی الله والحسن والحسین واولاد الحسین (١٢١٥) بیّنات [والراسخون فی العام] [٦٩٧] محمد المصطفی وحبیب الحبیب علی ولی الله واله [٦٩٧]

آیهٔ دوازدهم

(وما یذکر الا اولوا الالباب) زبر (اولوا الالباب) (١١١) بیّنات (اولوا الالباب (٦٨٩) مجموع زبر وبیّنه (٨٠٠) ای سیّدنا محمد نبی الله وعلی بن ابی طالب والهما وموالیهم (٨٠٠)

آیهٔ سیزدهم

(شهدالله انه لااله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لااله الا هو العزیز الحکیم) زبر [اولوا العلم] [٢١٥] علی عادل [٢١٥] علی اعدل [٢١٥] بیّنات (اولوا العلم) (٥٤٨) محمد نبی الله والهادی علی بن ابی طالب والهما (٥٤٨)

آیهٔ چهاردهم

(ان الله اصطفی آدم ونوحا و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین ذریة بعضها من بعض والله سمیع علیم) زبر (آل ابراهیم) (٢٨٩) حبیب الله الحکیم محمد (٢٨٩) بیّنات (آل ابراهیم) (٣١٥) محمد المدنی

حبيب‌الله (٣١٥) زبر آل‌عمران (٣٩٢) مولانا علی‌ولی‌الله وآله (٣٩٢) بیّنات (آل‌عمران) (۴٢٨) الامام‌الهادی علی‌ولی‌الله‌وآله (٤٢٨) زبر(ذریه) (٩١٥) الحبیب‌محمدرسول‌الله والوکیل علی‌ولی‌الله والهما (٩١٥) بیّنات (ذریه) (٣٤) مجموع‌زبروبیّنه (٩٤٩) الداعی‌محمدنبی‌الله‌وعلی‌بن‌ابی‌طالب واولاده‌المعصومین(٩٤٩)زبر(بعضهامن‌بعض)(١٨٤٠)الداعی‌محمدالمصطفی رسول‌الله والمطهرعلی‌بن ابی‌طالب ولی‌الله واولاده‌المعصومین (١٨٤٠) بیّنات (بعضها من‌بعض) (٣۴٩) محمد وعلی ولی وآله واولاده (٣٤٩) مجموع‌زبروبیّنه(٢١٨٩) الطیّب محمدنبی‌الله وعلی‌والحسن‌والحسین وعلی ومحمدوجعفروموسی‌وعلی‌ومحمد وعلی‌والحسن ومحمدبن‌الحسن (٢١٨٩) (ایضا) محمدالمصطفی وولیّه علی‌المرتضی وابناهما والهما (٢١٨٩)

آیهٔ پانزدهم

(فمن حاجك فیه‌من بعدما جاءك من العلم‌فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم‌نبتهل فنجعل لعنة‌الله علی الكاذبین) زبر(ابناءنا) (١٠٦) بیّنات (ابناءنا) (٥٥٣) مجموع (٦٥٩) المطهرین‌الحسن والحسین (٦٥٩) بیّنات (٥٥٣) سیّدین واهبین‌الحسن والحسین (٥٥٣) زبر(نساءنا) (١٦٢) بیّنات (نساءنا) (٥٠٦)مجموع(٦٦٨) ام‌الائمة‌النجباء الهداة فی‌الله فاطمه آیة‌الله (٦٦٨) زبر (انفسنا) (٢۴٢) علی‌هادی ولی‌الله (٢۴٢) بیّنات(انفسنا) (٣٩٣) نفس نبی علی (٣٩٣) مجموع‌زبر وبیّنات (٦٣٥) نفس‌حبیب‌الله بالنص‌الجلی‌علی (٦٣٥)

آیه شانزدهم

(واعتصموا بحبل‌الله جمیعا) زبر [حبل‌الله] (١٠٦) بیّنات (حبل‌الله) (٢٣٦) مجموع زبروبیّنات (٢۴٢) محمد وولیّه علی‌والهما (٣۴٢)

آیه هفدهم

(الذین ینفقون فی‌السراء والضراء) زبر (الذین ینفقون) (١٠٨٧) محمد علی فاطمه حسن والحسین اولاده‌الطیّبین‌الطاهرین (١٠٨٧)

آیه هیجدهم

(والكاظمین‌الغیظ والعافین عن‌الناس) زبر (والكاظمین‌الغیظ والعافین عن‌الناس) (٣٥٠٩) حبیب اله محمد واله علی والحسن والحسین وعلی‌بن‌الحسین ومحمدبن‌علی وجعفربن‌محمد وموسی‌بن‌جعفر وعلی‌بن‌موسی ومحمدبن‌علی وعلی‌بن‌محمد والحسن‌بن علی ومحمدالهادی [٣٥٠٩]

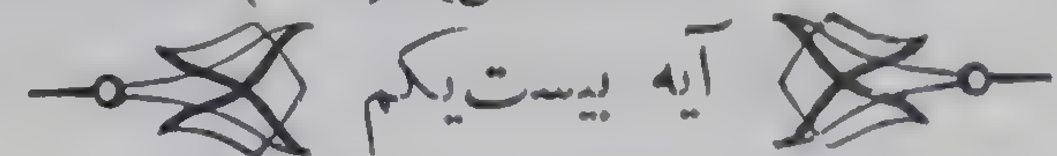
آیه نوزدهم

درسورهٔ‌نساء (یا ایها‌الذین آمنوا اطیعوا‌الله واطیعوا الرسول واولی الامر منكم) زبر(اولی‌الامر) (٣١٩) الولی‌الحامی‌علی واله (٣١٩) بیّنات (اولی‌الامر) (٤٧١) الحاكم‌علی‌بن ابی‌طالب ولی‌الله وآله (۴٧١)

آیه بیستم

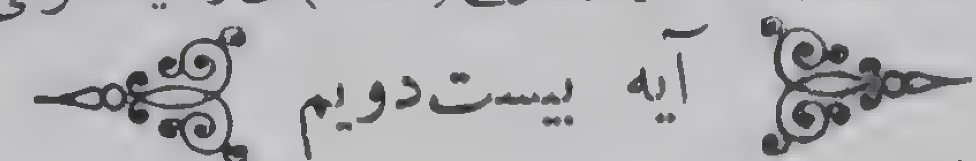
(ومن یطع‌الله والرسول فاولئك مع‌الذین انعم‌الله علیهم من‌النبیّین والصدّیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفیقا) زبر [من‌النبیّین](٢۴٣) المكین‌محمد [٢۴٣] بیّنات(من‌النبیّین)(٣٧٢) الهادی بالحق‌محمد حبیب‌الله (٣٧٢) مجموع‌زبر وبیّنات (٦١٥) الداعی‌الجواد محمدرسول‌الله (٦١٥) زبر (والصدیقین) (٣٠١) هادی‌حامی‌علی‌ولی‌الله (٣٠١) بیّنات (والصدّیقین) (٣٣٣) علی‌عالی‌ولی‌الله (٣٣٣) مجموع‌زبر وبیّنات (٦٣۴) الامام‌الصادق الوالی‌علی‌بن‌ابی‌طالب (٦٣۴) زبر(والشهداء) (٣٤٨)بیّنات(والشهداء) (۴٧٠) مجموع‌زبروبیّنات(٨١٨) الامامین‌الاعزین السبطین‌الحسن‌والحسین[٨١٨] زبر(والصالحین)(٢٢٦) بیّنات(والصالحین)

(۳۷۲) مجموع (٥٩٨) حبیب هادی زین العابدین علی بن الحسین (٥٩٨) اززبر وبیّنات صدّیقین وشهداء وصالحین دراین آیهٔ شریفه ومعجزهٔ منیفه غوّاصان بحارعرفان چون صاحب مضیئی الاعیان اسامی پاك ائمهٔ اثناعشررا مطابق نموده اند چنانچه درروایة عمروبن ثابت ازبیّنهٔ (والصدّیقین) بهمان دستورمسطوراست واز(شهداء) جعفروحمزه بیرون آورده اندواز(صالحین) امام حسن وامام حسین استخراج نموده اند وبروایةابن صالح از (شهداء) اسامی امام حسن وامام حسین وحمزه وجعفر هریك علیحده کشف نموده اند واز (صالحین) اسامی سلمان وجابر وعمار گفته اند وزبر (الصالحین) (۲۲۰) مقداد اسود (۲۲۰)



آیه بیست یکم

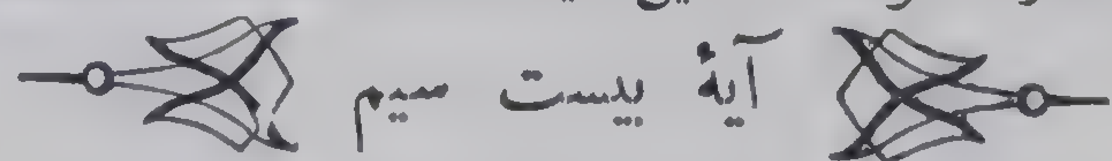
درسورهٔ مائده (الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا) زبر(دین)(٦۴)بیّنات(دین)(۸۸) مجموع (۱٥۲) زبر (نعمه)(۱٦٥)بیّنات(نعمه)[۱٦۷]مجموع(۳۳۲)ای ولایة المولی علی واله[۳۳۲]



آیه بیست دویم

(یا ایها الذین آمنوا من یرتدّ منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یجاهدون فی سبیل الله ولا یخافون لومة لائم ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء والله سمیع علیم) زبر(قوم) (۱۴٦) حبیب واهب علی (۱٤٦) بینات (قوم) (۱۳۸) واهب واجد علی (۱۳۸) مجموع زبر وبیّنات (۲۸٤) حبیب هادی الامین علی (۲۸۴) زبر(اذله) (۷۳٦) الامام الموحدین ولی الله الجامع العلی بن ابی طالب (۷۳٦) بیّنات(اذله)(۱۸۳)حبیب الهادی علی(۱۸۳) مجموع زبر وبیّنات(۹۱۹) الامام الموحدین السیّد الوصیین حبیب الداعی علی بن ابی طالب(۹۱۹) زبر (اعزه)(۸۳) ولی زکی(۸۳) بینات (اعزه) (۱۷۲)

علی حمید (۱۷۲) مجموع زبر وبیّنات(۲٥٥)الولی الزکی علی (۲٥٥) زبر (یجاهدون)(۷۹)ولی هادی احد (۷۹) بینات [۲٥٦] هادی واهب علی ولی الله (۲٥٦) زبر(لایخافون) [۷۷۸] ناصرالاولیاء الحمید علی ولی الله و آله(۷۷۸) بینات او (۳۲۷) الدّلیل علی ولی الله (۳۲۷) مجموع زبر وبینات (لایخافون) (۱۱۰٥) (نوع دیگر) دروصف امام حالیهٔ عالم حجة بن الحسن ارواح العالمین فداه ازهمین آیهٔ شریفهٔ مذکوره زبروبینات(قوم) (۲۸٤) محمد الهادی بالحق(۲۸٤) زبروبینات (اذله) (۹۱۹) الحمید المطهر الموعود ابن الحسن (م ح م د) المهدی (۹۱۹) زبروبیّنات (اعزه) (۲٥٥) سمیّی محمد الحبیب(۲٥٥) زبروبیّنات(یجاهدون) (۳۳٥) امام محمد المهدی ومحبیه (۴۳٥) زبروبیّنات [لایخافون](۱۱۰٥) القایم الدّایم الموعود بالحق امام (م ح م د) الحسن الهادی واصحابه (۱۱۰٥) علی بن ابراهیم در تفسیر خود اشاره نموده که این آیه درشان صاحب الزمان علیه السلام است



آیهٔ بیست سیم

(انما ولیّکم الله ورسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون) زبر(انما)(۹۲) محمد (۹۲) بیّنات (انما) (۳۲٦) وصی بحق علی (۳۲٦) زبر (ولیّکم) (۱۰٦) مجموع زبر (انماولیّکم) (۱۹۸) هادی الزکی علی (۱۹۸) بیّنات (انماولیّکم) (٥۱٦) وصی محمد مولی علی ولی الله (٥۱٦) زبر وبیّنات (ولیّکم) (۲۸٦) اوّل الاوصیاء علی (۲۸٦) زبر (اللهورسوله) (۳۷۳) بیّنات (اللهورسوله) (۳۱۰) مجموع زبروبیّنات (٦۸۳) بنص الله الهادی المبدئی الودود وسیّد النبی الامی (٦۸۳)زبر (والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم راکعون) (۳۰۰۹) غالب کل غالب ومطلوب کله

طالب الشفيع على بن ابى طالب (٣٠٠٩) (ايضا) الوصى بحق بعد رسول الله على ولى الله والسبطين الحسن والحسين وعلى ومحمد وجعفر وموسى وعلى ومحمد وعلى والحسن (م ح م د) بن الحسن المهدى الهادى (٣٠٠٩) بيّنات

(والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون)

(١٩١٢) على بن ابى طالب والسبطين الحسن والحسين وعلى و محمد وجعفر وموسى وعلى ومحمد وعلى والحسن ومهدى هادى (١٩١٢) (ايضا) امام الهادى بالحق والوصى بعد رسول الله بالنص الجلى بلا فصل الامين ابن ابى طالب على واولاده اجمعين (١٩١٢) مجموع زبر وبيّنات

(والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون)

(٤٩٢١) الامام بالحق والوصى بعد رسول الله بالنص الجلى هازم الاحزاب على بن ابى طالب والسبطين الحسن والحسين وعلى بن الحسين ومحمد بن على وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن على وعلى بن محمد والحسن بن على و (م ح م د) بن الحسن (٤٩٢١)

آيه بيست چهارم

(ياايها الرسول بلّغ ماانزل اليك من ربك وان لم تفعل فما بلّغت رسالته والله يعصمك من الناس ان الله لايهدى القوم الكافرين)

زبر (ماانزل اليك من ربك) (٥٠٢) امامة هازم الاحزاب على بن ابيطالب وآله واولاده (٥٠٢) بيّنات (ما انزل اليك من ربك) (٧٩٠) امامة مزين القلوب حبيب حبيب الله على ولى الله وآله واولاده (٧٩٠) مجموع زبر وبيّنات (١٢٩٢) هو خلافة على ولى الله وامامة باقى ائمة الهدى (١٢٩٢) (ايضا) ان عليا ولى الله بنص الجلى بعد رسول الله الهادى مولى المؤمنين (١٢٩٢)

آيه بيست پنجم

درسورهٔ انعام (وان اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذى اليه تحشرون) زبر (الصلوة) (١٦٢) ولاية على (١٦٢) السلام (١٦٢)

آيهٔ بيست ششم

(فالق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم) زبر (الشمس) (٤٣١) نبى الصادق الهادى محمد (٤٣١) بيّنات (الشمس) (٣٢١) داعى الهادى الحميد محمد (٣٢١) مجموع زبر وبيّنات (٧٥٢) الداعى الهادى الوالى الحبيب محمد رسول الله (٧٥٢) زبر (القمر) (٣٧١) حبيب الامين على ابن ابى طالب (٣٧١) بيّنات (القمر) (٢٨٣) ولى هادى على ابن ابى طالب (٢٨٣) مجموع زبر وبيّنات (٦٥٤) السيد المنور على ولى الله (٦٥٤)

آيهٔ بيست هفتم

(وهو الذى جعل لكم النجوم لتهتدوا بها فى ظلمات البر والبحر قد فصلنا الايات لقوم يعلمون) زبر (النجوم) (١٣٠) بينات (النجوم) (٣١٤) مجموع (٤٤٤) اى اولاد على ابن ابى طالب (٤٤٤)

آيهٔ بيست هشتم

درسورهٔ اعراف (ونادى اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظالمين) زبر (مؤذن) (٧٩٦) حبيب الفقراء الجامع على بن ابى طالب (٧٩٦) بينات (مؤذن) (١٤٤) هادى جواد على (١٤٤) مجموع زبر وبيّنات (٩٤٠) زكى وواقف الاسرار على بن ابى طالب (٩٤٠)

آيه بيست نهم

(وعلى الاعراف رجال يعرفون كل بسيماهم) زبر (رجال يعرفون)

(٦٥٠) بینات او (٣٢٨) مجموع زبر وبینات (٩٧٨) الحبیب محمد رسول الله واللطیف علی ولی الله والهما (٩٧٨) ایضا الحاکم الوکیل علی بن ابی طالب وعباس وحمزه وجعفر (٩٧٨)

آیه سی ام

(وممن خلقنا امة یهدون بالحق وبه یعدلون) زبر (امه) (٤٦) بینات او (١٦١) مجموع زبر وبینات (٢٠٧) الوکیل علی (٢٠٧)

آیه سی ویکم

سورهٔ انفال (هو الذی ایدك بنصره وبالمؤمنین) زبر (المؤمنین) (٢٢٧) المولی علی (٢٢٧) بینات (المؤمنین) (٣٧١) حبیب حبیب الاحد علی بن ابی طالب (٣٧١) مجموع زبر وبینات (المؤمنین) (٥٩٨) النصیر علی بن ابی طالب (٥٩٨)

آیه سی ودویم

نیز در سورهٔ انفال (یاایها النبی حسبك الله ومن اتبعك من المؤمنین) در زبر وبینه ومجموع زبر وبینه بترتیب آیهٔ قبل است در لفظ (المؤمنین)

آیه سی وسیم

سورهٔ توبه (والسابقون الاولون من المهاجرین والانصار والذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه واعدّ لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا ذلك الفوز العظیم)زبر (السابقون) (٢٥٠) واهب واجد جواد علی ولی الله (٢٥٠) بینات السابقون (٤٦٦) الوصی الوالی بالحق علی (٤٦٦) مجموع زبر وبینات (السابقون) (٧١٦) الوصی رسول الله علی بن ابی طالب (٧١٦) ایضا الوالی العالی علی ولی الله وام المؤمنین (٧١٦) (وجه دیگر) زبر (السابق) (١٩٤) بینهٔ (السابق (٤٠٣) مجموع زبر وبینات (٥٩٧) الوصی بحق امام الهادی علی بن ابی طالب (٥٩٧)

آیه سی وچهارم

(یاایها الذین آمنوا اتقوالله وکونوا مع الصادقین) (زبر (الصادقین) (٢٨٦) حبیب والی علی بن ابی طالب (٢٨٦) بینات (الصادقین) (٤٣٥) امام بحق وهادی علی بن ابی طالب (٤٣٥) مجموع زبر وبینات (٧٢١) سیدنا علی بن ابیطالب وآله المعصومین | ٧٢١) (نوع دیگر) زبر (الصادق) (٢٣٦) بینات (الصادق) (٣٧٨) مجموع زبر وبینات (٦٠٤) الامام المبین بالحق علی بن ابی طالب (٦٠٤)

آیه سی وپنجم.

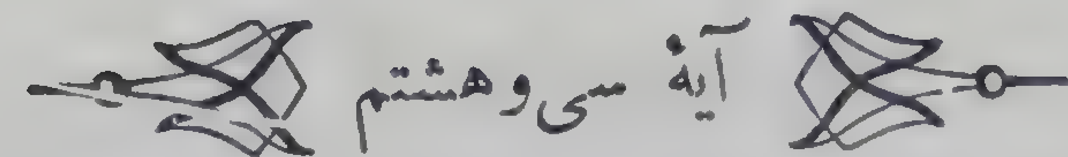
سورهٔ یونس [افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی فمالکم کیف تحکمون] زبر (من یهدی) (١١٩) بینات (من یهدی) (١٤٠) مجموع زبر وبینات (٢٥٩) علی بن ابی طالب وآله (٢٥٩)

آیه سی وششم

(قل بفضل الله وبرحمته فبذالك فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون) زبر (بفضل الله) [٩٧٨] سید المولی حبیب الفقراء محمد المصطفی (٩٧٨) بینات [بفضل الله] (٢١٤) نبی اله الهادی محمد (٢٤١) (ایضا) ابو القاسم (٢٤١) زبر (برحمته) (٦٥٥) الامام العالم المعز علی ولی الله (٦٥٥) بینات (برحمته) (٥٥) مجموع زبر وبینات (٧١٠) امام العالم الکامل المولی علی بن ابی طالب (٧١٠)

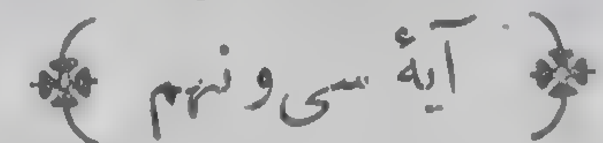
آیهٔ سی وهفتم

(الا ان اولیاء الله لاخوف علیهم ولا هم یحزنون) زبر (اولیاء الله) (١١٥) بینات (اولیاء الله) (٥٧٢) مجموع زبر وبینات (٦٨٧) معز الاولیاء وعون الاوصیاء ابن ابی طالب علی (٦٨٧) (ایضا) اطهر الاولیاء ومولانا علی بن ابی طالب واله (٦٨٧) (نوع دیگر) علی واولاده وتابعهم (٦٨٧)



آیهٔ سی وهشتم

سورهٔهود (افمن کان علی بیّنةمن ربه ویتلوه شاهدمنه)زبر(من کان علی بیّنة) (۳۳۸) الطاهرمحمد (۳۳۸) بیّنات (من کان علی بیّنة)(۵۱٤) الاعز محمد العربی(۵۱٤)مجموع زبروبیّنات(۸۵۲) الامی المکی المدنی نبی الاله محمد العربی (۸۵۲) (ایضا) زکی الامی محمدالقرشی (۸۵۲) زبر(یتلوه شاهد) (۷٦۱) سیّدنا ومولاناالمطهر علی بن ابی طالب (۷٦۱) بیّنات (یتلوه شاهد) (۲۵۳) الوکیل علی ولی (۲۵۳) مجموع زبروبیّنات (۱۰۱۴) امام الامین وصی رسول‌الله حبیب‌الله علی ولی‌الله (۱۰۱۴)



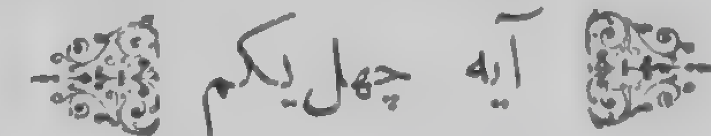
آیهٔ سی ونهم

سورهٔ رعد (ویقول الذین کفروا لولا انزل علیه ایة من ربه انما انت منذرولکل قوم هاد) زبر (منذر) (۹۹۰) مزین القلوب محمدالمصطفی رسول‌الله (۹۹۰) بیّنات (منذر) (۱۳۸) هو حبیب احد محمد (۱۳۸) مجموع زبر وبیّنات (۱۱۲۸) الکامل الهادی ابوالقاسم محمد المصطفی ولحق الله هاد (۱۱۲۸) زبر (هاد) (۱۰) بیّنات (هاد) (۱٤۲) مجموع زبر وبیّنات (۱۵۲) هوالعلی (۱۵۲) ایضا علی وآله (۱۵۲)



آیهٔ چهلم

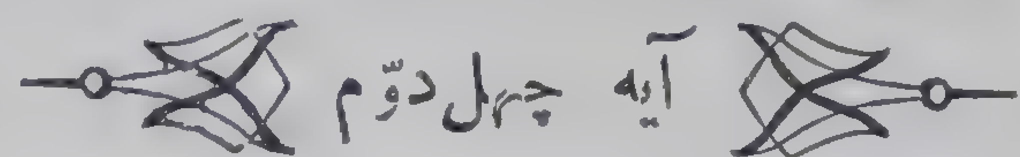
(قل کفی بالله شهیدا بینی وبینکم ومن عنده علم الکتاب) زبر (من عنده) (۲۱۹) علی الاعز(۲۱۹) بیّنات (من عنده) (۲۵۴) امام حمیدعلی (۲۵۹) مجموع زبروبیّنات (٤۷۳) صاحب لوا وولی‌الله علی بن ابی طالب (۴۷۳)



آیه چهل یکم

سورهٔانبیاء(فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون)زبر[اهل الذکر] [۹۸۷] محمد رسول‌الله وواهب واجد جوادعلی والهماالطاهرین (۹۸۷) بیّنات

(اهل الذکر) (٤۱٦) سیّدنامحمد وعلی والهما (۴۱٦) مجموع زبر وبیّنات (۱٤۰۳) محمدرسول‌الله وعلی بن ابی طالب والهماالمعصومین الطاهرین(۱۴۰۳)

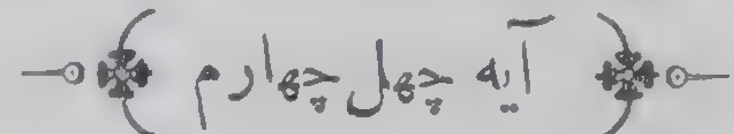


آیه چهل دوّم

سورهٔ فرقان (وهوالذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وکان ربك قدیرا) زبر (نسباوصهرا) (۴۱۵) بیّنات او (۳۵۱) مجموع(۷٦٦) زوج زهرا وابن عم نبی هادی دین علی ولی‌الله (۷٦٦)

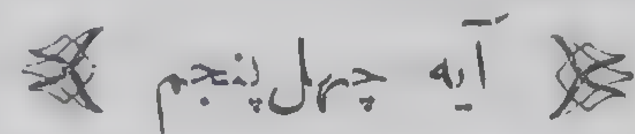
آیه چهل سیّم

سورهٔنمل (من جاء بالحسنة فله خیر منها وهم من فزع یومئذ آمنون) زبر (الحسنه)(۱۵۴)حب هادی واهب علی (۱۵٤)بیّنات او (۲٦۹) حب علی بن ابی طالب وآله(۲٦۹)مجموع زبر وبیّنات(۴۲۳)حب سیّدناالعادل علی وآله(۴۲۳)



آیه چهل چهارم

سورهٔسجده (افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لایستوون) زبر (من کان مؤمنا)(۲۹۸) ولی الاعلی علی (۲۹۸)بیّنات او(٦۲٦) امام عادل ووصی بحق علی بن ابی طالب (٦۲٦) مجموع زبروبیّنات(۹۲٤) الامام الحاکم بالحق والوصی المطلق علی بن ابی طالب (۹۲۴)



آیه چهل پنجم

سورهٔاحزاب (من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر وما بدّلوا تبدیلا) زبر (من المؤمنین رجال) (۵۵۱) ولی‌الله جواد وحمزه وجعفر(۵۵۱) بیّنات (من المؤمنین رجال) (٦۷۹)امام حمیدعلی وحمزه وجعفر(٦۷۹)مجموع زبروبیّنات (۱۲۳۰) مولانا علی بن ابی طالب وحمزة بن عبدالمطلب وجعفرطیّار (۱۲۳۰) زبر (من قضی نحبه) (۱۰٦۵) بیّنات او (۲۵۲) مجموع زبروبیّنات(۱۳۱۷)

عم رسول الله الزکی حمزه وابن عمه جعفر طیار (١٣١٧) زبر (من ینتظر) (١٦٥٠) بیّنات او (١٦٦) مجموع زبر وبیّنات (١٨١٦) انیس الاصفیا مونس الفقراء والمساکین حبیب حبیب رب العالمین علی ابن ابی طالب (١٨١٦)

آیه چهل ششم

(انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا) زبر (عنکم اهل البیت) (٦٥٩) بینات او (٥٥٣) مجموع زبر وبیّنات (١٢١٢) امام الواهب علی ولی الله وفاطمه والسبطین الحسن والحسین واولاد الحسین (١٢١٢) تفصیل آن در مقام دهم گذشت

آیه چهل هفتم

سورهٔ فاطر (ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلك هو الفضل الکبیر) زبر (سابق بالخیرات) (١٤٠٧) ناصر الاولیا راحم الفقرا الهادی علی ولی الله واولاده (١٤٠٧) بیّنات (سابق بالخیرات) (٥١٨) الحاکم المعز علی بن ابی طالب واولاده (٥١٨) مجموع زبر وبیّنات (١٩٢٥) حبیب الاتقیاء وناصر الاولیاء راحم الفقراء علی بن ابی طالب واولاده (١٩٢٥) (ایضا) علی بن ابی طالب والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن و (م ح م د) مهدی الهادی (١٩٢٥)

آیه چهل هشتم

سورهٔ والصافات (وقفوهم انهم مسؤلون) زبر (مسؤلون) (١٩٣) حب علی هادی واولاده (١٩٣) بیّنات (مسؤلون) (٣٣١) هو حب الهادی علی بن ابی طالب وآله (٣٣١) مجموع زبر وبیّنات (٥٢٤) عن حب امام علی بن ابی طالب وآله واولاده (٥٢٤)

آیه چهل نهم

(سلام علی آل یس) زبر (آل یس) (١٠١) بیّنات او (٢١٢) مجموع زبر وبیّنات (٣١٣) ابن ابی طالب علی وآله واولاده (٣١٣)

آیهٔ پنجاهم

سورهٔ زمر (قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون) زبر (الذین یعلمون) (٩٩٧) الامام الامین علی بن ابی طالب والسبطین الحسن والحسین واولاده (٩٩٧) بیّنات او (٤٥٤) العالی علی بن ابی طالب و آله واولاده (٤٥٤) مجموع زبر وبیّنات (١٤٥١) الامام الموحدین وسید الوصیین المعطی علی بن ابی طالب والسبطین الحسن والحسین واولاده (١٤٥١) (ایضا) علی والحسنین وعلی ومحمد وصادق وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن وهادی الوالی (١٤٥١)

آیه پنجاه یکم

(والذی جاء بالصدق وصدق به اولئك هم المتقون) زبر (الذی جاء بالصدق) (٩٧٣) الحمید الزکی الصادق الامین محمد رسول الله (٩٧٣) بیّنات او (٧٢٢) الامین العادل محمد رسول الله (٧٢٢) مجموع زبر وبیّنات (١٦٩٥) الماحی الهادی المبعوث الی الخلایق محمد (١٦٩٥) زبر صدق (١٩٤) زکی والی علی (١٩٤) بینات او (١١٧) مجموع زبر وبینات (٣١١) امام الحلیم علی (٣١١)

آیهٔ پنجاه دویم

سورهٔ شوری (قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودّة فی القربی) زبر الا المودة فی القربی (٥٥١) امام ولی علی بن ابی طالب وباقی الائمة (٥٥١) بیّنات (الا المودة فی القربی) (٧٣٧) الامام العالم بالحق علی بن ابی طالب وآله واولاده (٧٣٧) مجموع زبر وبیّنات (١٢٨٨) زکی الصادق بالحق علی بن ابی طالب وفاطمه والحسن والحسین واولاد الحسین (١٢٨٨)

آیه پنجاه‌سیّم

سورهٔ ق (وجائت کل نفس معها سائق وشهید) زبر (سایق) (۱۷۱)
هادی حامی محمد (۱۷۱) بینات او (۲۵۲) اللطیف محمد (۲۵۲)
مجموع زبر وبیّنات (۴۲۳) داعی‌المطلوب محمدنبی‌الله (۴۲۳) زبر (شهید)
(۳۱۹) الوکیل علی ولی‌الله (۳۱۹) بیّنات (شهید) (۹۳) هو ولی اله
(۹۳) مجموع زبر و بینات (۴۱۲) وصی نبی ومولانا علی (۴۱۲)

آیهٔ پنجاه‌چهارم

(القیا فی جهنم کل کفار عنید) زبر [القیا] [۱۴۲] نبی‌واهب وولی‌وهاب
(۱۴۲) بیّنات (القیا) (۳۴۳) الحبیب‌محمد وولی اله‌علی [۳۴۳] مجموع
زبر وبیّنات [۴۸۵] الصادق محمد والهادی علی (۴۸۵)

آیهٔ پنجاه وپنجم

(ان فی ذلک لذکری لمن کان له‌قلب او القی السمع وهو شهید) زبر (ذلک)
(۷۵۰) عمل اکرم‌الاولیاء‌الحبیب‌علی‌بن‌ابی‌طالب (۷۵۰) بیّنات (ذلک) (۱۵۳)
مجموع زبر وبیّنات (۹۰۳) عمل اکرم‌الاوصیاء بالحق‌علی‌ولی‌الله (۹۰۳)

آیه پنجاه وششم

سورهٔ ذاریات (کانوا قلیلا من اللیل مایهجعون وبالاسحارهم یستغفرون)
زبر (هم‌یستغفرون) (۱۸۵۱) وصی حبیب رسول‌الله القاهر علی ولی‌الله
وفاطمه والسبطین الامامین الحسن والحسین (۱۸۵۱) بیّنات او (۲۳۸) مولا علی و آله
(۲۳۸) مجموع زبر وبیّنات (۲۰۸۹) وصی وحبیب رسول‌الله علی‌بن‌ابی
طالب وبنت نبی‌الله فاطمه والسبطین الامامین الحسن والحسین (۲۰۸۹)

آیهٔ پنجاه وهفتم

سورهٔ النجم (والنجم اذا هوا) زبر (النجم) (۱۲۴) وجه‌علی (۱۲۴) (ایضا)

آل‌محمد [۱۲۴] بیّنات والنجم (۳۱٤) علی‌بن‌ابی‌طالب وآله‌واولاده (۳۱۴)

آیه پنجاه وهشتم

(فبای آلاء ربک تتماری) زبر (آلاء) (۳۳) بیّنات او (۳۷۱)
مجموع (٤۰٤) الهادی‌العادل علی‌بن ابی‌طالب (۴۰۴)

آیه پنجاه‌ونهم

سورهٔ الرحمن (مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای آلاء
ربکما تکذبان یخرج منهما اللؤلؤ والمرجان) زبر (البحرین) (۳۰۱)
حبیب واهب واجد علی وفاطمه (۳۰۱) بیّنات (البحرین) (۲۱۱) علی امین
(۲۱۱) مجموع زبر وبیّنات (۵۱۲) زکی‌المولی علی‌بن‌ابی‌طالب وفاطمه
(۵۱۲) زبر (برزخ) (۸۰۹) بیّنات او (٤) مجموع زبر وبیّنات (۸۱۳)
راحم‌المساکین محمدالمصطفی (۸۱۳) زبر (اللؤلؤ والمرجان) (۴۳٤)
بینات او (٦۷۲) مجموع زبر وبیّنات (۱۱۰٦) الامامین الهمامین الکاملین
ابی محمدالحسن وابی عبدالله‌الحسین (۱۱۰٦)

آیه شصتم

سورهٔ واقعه (والسابقون السابقون اولئک المقربون) زبر [السابقون السابقون]
(۵۰۰) بیّنات او (۹۳۲) مجموع زبر وبیّنات (۱۴۳۲) هابیل وخربیل
وحبیب‌النجار وعلی‌بن ابی طالب (۱۴۳۲)

آیه شصت‌یکم

(واصحاب الیمین ما اصحاب الیمین) زبر یمین (۱۱۰) علی (۱۱۰)
بیّنات (یمین) (۱۰۸) وآل یس (۱۰۸)

آیه شصت‌دویم

سورهٔ حدید (والذین آمنوا بالله ورسوله اولئک هم الصدّیقون) زبر

(الصدیق) (۲۳۵) سیدناعلی(۲۳۵)بیّنات او (۲٦۹) امام الولی علی(۲٦۹)
مجموع زبر و بیّنات (۵۰۴) السیدالزکی الجمیل علی بن ابی طالب (۵۰٤)

آیه شصت سیّم

سورهٔ حشر (ویؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه ومن یوق شح نفسه
فاولئك هم المفلحون) زبر (المفلحون) (۲۴۵) الحمید علی وآله
(۲۴۵) بیّنات او (۳۰۷) هادی وحیدر علی بن ابی طالب وآله (۳۰۷)
مجموع زبر و بیّنات (۵۵۲) الامام المطلع علی بن ابی طالب وآله (۵۵۲)

آیه شصت چهارم

سورهٔ صف (ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص)
زبر [الذین یقاتلون] [۱۳۸۸] بیّنات او [۵۳٦] مجموع زبر و بیّنات
(۱۹۲٤) الصادق علی بن ابی طالب وحمزه وعبیدة بن حارث ومقداد اسود
وسهل حنیف وابی دجانه (۱۹۲۴)

آیه شصت پنجم

سورهٔ تحریم (وان تظاهرا علیه فان الله هو مولیه وجبریل
وصالح المؤمنین والملائکة بعد ذلك ظهیر) زبر (صالح المؤمنین)
(۳۵٦) الامام المبین علی (۳۵٦) بیّنات او (۵۲۸) داعی الصادق علی بن ابی طالب
(۵۲۸) مجموع زبر و بیّنات [۸۸٤] الامام المبین ناصر الاولیاء علی بن ابی طالب [۸۸٤]

آیه شصت ششم

سورهٔ جن (ومن یعرض عن ذکر ربه یسلکه عذابا صعدا) زبر (ذکر)
(۹۲۰) ولایت سید و اول الاوصیاء علی بن ابی طالب (۹۲۰) (ایضا) ولایة اول الاوصیا
وسید و کافی الامور علی بن ابی طالب (۹۲۰) بیّنات (ذکر) (۱۱۳) مجموع زبر
و بیّنات (۱۰۳۳) ولایة سید الاوصیاء وحاکم الاولیا علی بن ابی طالب (۱۰۳۳)

آیه شصت هفتم

سورهٔ مزمل (ان ربك یعلم انك تقوم ادنی من ثلثی اللیل ونصفه وثلثه
وطایفة من الذین معك) زبر (طایفه) (۱۵۰) بیّنات او (۱۱٤)
مجموع زبر و بینات (۲۱۹) هادی والی علی و آله (۲۱۹)

آیه شصت هشتم

سورهٔ دهر (هل اتی علی الانسان حین من الدهر) زبر (الانسان) (۱۹۳)
علی جمیل (۱۹۳) بینات او [۵۴۳] الصادق الحاکم علی بن ابی طالب (۵۴۳)
مجموع زبر و بینات (۷۳٦) وصی رسول الله الهادی علی بن ابی طالب (۷۳٦)

آیه شصت نهم

(ان الابرار یشربون من کأس) زبر (الابرار) (۴۳۵) الوالی علی وفاطمه
وابناهما (٤۳۵) بیّنات او (۳۷٤) ولی الله الواهب وفاطمه وابناهما (۳۷۴)
مجموع زبر و بیّنات (۸۰۹) مولانا علی ولی الله و اهل بیته (۸۰۹)

آیه هفتادم

سورهٔ عم (عم یتساءلون عن النباء العظیم الذی هم فیه مختلفون)
زبر (النباء العظیم) (۱۱۳۵) هو ولایة امام الطاهر الامین علی بن ابی طالب (۱۱۳۵)
(ایضا) ولایة امام الموفق الامین علی بن ابی طالب (۱۱۳۵) (ایضا) هو خلافة
ولی الله وولی حبیبه علی ابن ابی طالب (۱۱۳۵) بیّنات (النباء العظیم)
(۵۸۱) ولایت ولی حلیم (۵۸۱) (ایضا) ولایة ولی المجید (۵۸۱)
مجموع زبر و بیّنات (۱۷۱٦) خلافة امام قاهر علی بن ابی طالب (۱۷۱٦)

آیه هفتادیکم

سورهٔ مطففین (ان الذین اجرموا کانوا من الذین آمنوا یضحکون) زبر
(من الذین آمنو) (۹۷۹) امام جامع علی بن ابی طالب واله وتابعهم (۹۷۹)

بیّنات او(٦٧٨)وصی العالم بالحق علی بن ابی طالب و آله(٦٧٨)مجموع زبر وبیّنات (١٦٥٧)الحاکم الحبیب علی بن ابی طالب و آله واولاده وخواصه وتابعه (١٦٥٧)

آیهٔ هفتاددویم

سورهٔ بیّنه (ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خیر البریه) زبر (خیر البریه) (١٠٥٨) سیدنا الوکیل علی بن ابی طالب و آله واولاده وتابعهم (١٠٥٨) بیّنات (خیر البریه) (١٥٨) علی ماجد (١٥٨) مجموع زبر وبیّنات (١٢١٦) الولی الوالی علی بن ابی طالب واولاده وشیعته (١٢١٦)

آیه هفتادوسیّم

سورهٔ جحد (لکم دینکم ولی دین) زبر (ولی دین)(١١٠) علی(١١٠) بیّنات (ولی دین) (١٣٧) حبیبه علی (١٣٧) (ومالا نعلمه اکثر) فخذها واغتنمها لانها تسر العالم المؤمن التقی وتقهر الجاهل المنافق الشقی وقد قال الله تعالی (وتلك الامثال نضربها للناس وما یعقلها الا العالمون)

خاتمه

در تطابق اعداء الله باکلمات ردّیه بترتیب معهود وبدان روّیه حظرت علیم بصیر خبیر وعالم بمافی الضمیر میداند که مقصود از این تطابق قدح هیچ مسلمی را غرض ندارم بلکه شیوهٔ ملفق آنستکه ذم وهجوم هیچ کافری را هم روا ندانم مگر ناکسانیکه بدلایل واضحه وبراهین متضحه حقوق اهل بیت رسالت را غصب کرده‌اند وبر آل عصمت جور وستم نموده‌اند (اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آل محمد واخر تابع له) چون یزید پلید وهمکاران او چنانچه در تجویز لعن براو کفته‌اند

(واللعن علی یزید فی الشرع یجوز   واللاعن یحوی حسنات ویحوز
قد صح لدی انه معتل   واللعن مضاعفا وذاك مهموز)

(یحوز) ای یفوز (معتل) ای معتل العین (مهموز) ای معیوب اگرچه از خود

نیز نمگویم تفاسیر مسطوره بطرز مذکوره متعرضند علاوه هر یك از متعرضین مغرضین را ریب وشکی باشد در اظهار حق کمال حضور را دارم (میگویم ومی آیمش از عهده برون)   باالکه در این دوره هیچ یار ومعین ندارم هو المعین لمن لامعین له وناصر من لاناصر له وطی این خاتمه در سه عقبه است

عقبهٔ اولی

در آیات قرآنیه وتوبیخات فرقانیه است و آن محتوی بر (١٣) آیه است

آیهٔ اولی

در سورهٔ ام الکتاب (غیر المغضوب علیهم ولا الضالین) زبر (المغضوب) (١٨٧٩) بیّنات المغضوب (٢٧٤) مجموع زبر وبیّنات (٢١٥٣) فلان لعین وفلان بن فلان وفلان ومحبیّهم (٢١٥٣) زبر (الضالین) (٩٢٢) بیّنات [الضالین] (٣٦٤) مجموع زبر وبیّنات (١٢٨٦) فلان ددو فلان دنی وفلان (١٢٨٦)

آیهٔ دوّم

سورهٔ بقره (قال لاینال عهدی الظالمین) زبر (الظالمین) (١٠٦٢) بیّنات الظالمین [٤١٠] مجموع زبر وبیّنات (١٤٧٢) فلان وفلان وفلان ابن فلان (١٤٧٢)

آیهٔ سیّم

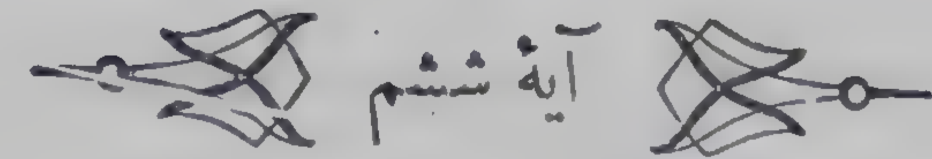
(یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر) زبر [عسر] [٣٣٠] بتصغیر وتعجیم [٣٣٠]

آیه چهارم

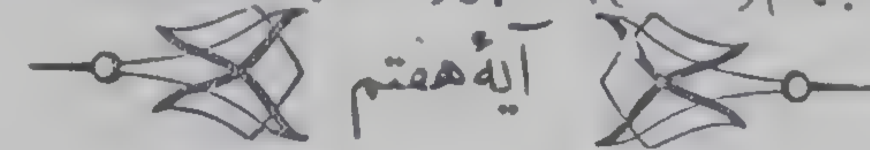
(یسئلونك عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر) زبر (میسر) (٣١٠) احراق (٣١٠) فلان (٣١٠)

آیه پنجم

(ان الله ینهی عن الخمر والمیسر) زبر (میسر)(٣١٠) نفس قبیح (٣١٠) فلان (٣١٠) بیّنات (فلان) (١١١) اقبح (١١١) سك بیحیا (١١١)


آیهٔ ششم

(ان الله ینهی عن الفحشاء والمنکر) زبر(منکر)(۳۱۰) کیفر (۳۱۰)
حب کفر(۳۱۰) بئر جهنم(۳۱۰) باب قهر(۳۱۰) جب قهر(۳۱۰) فلان (۳۱۰)


آیهٔ هفتم

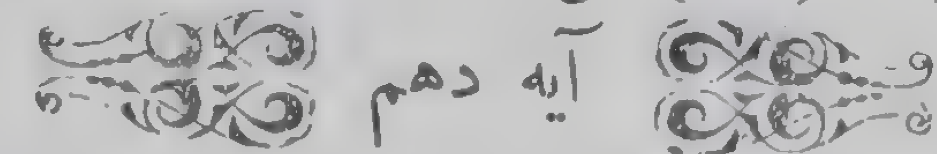
سورهٔ آل عمران (فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة
وابتغاء تاویله) زبر[فی قلوبهم زیغ] (۱۲۹۰) بیّنات او (۲۴۵) مجموع زبر
وبیّنات(۱۵۳۵) فلان اللعین وفلان نادان بتصغیر وتعجیم وفلان (۱۵۳۵)


آیهٔ هشتم

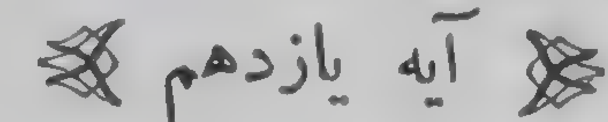
سورهٔ مائده (یا ایها الرسول بلّغ ما انزل الیك من ربك وان لم تفعل فما
بلّغت رسالته والله یعصمك من الناس ان الله لایهدی القوم الکافرین)
زبر (القوم الکافرین) (۵٦۹) بیّنات او (٦۹۰) مجموع زبر وبیّنات
(۱۲۵۹) هم فلان وفلان وفلان (۱۲۵۹)


آیهٔ نهم

سورهٔ یونس (افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان یهدی
فما لکم کیف تحکمون) زبر (امن لایهدی) (۱۵۱) بیّنات او (۴۰۱)
مجموع زبر وبیّنات (۵۵۲) ابن عفان جاهل مطرود (۵۵۲)

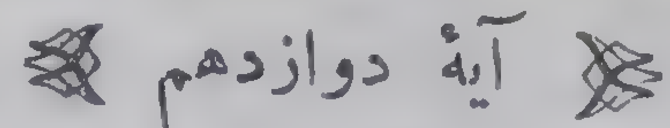

آیه دهم

سورهٔ السجده (افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لایستون) زبر
(من کان فاسقا) (۴۰۳) بیّنات او (۷۱۵) مجموع زبر وبیّنات (۱۱۱۸)
دد الرجس النجس الکافر المطرود ولید (۱۱۱۸)


آیه یازدهم

سورهٔ زمر (قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون)

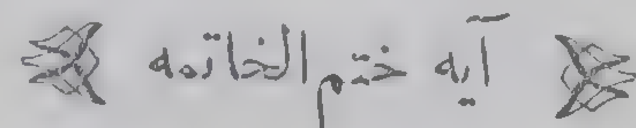
زبر (والذین لایعلمون) (۱۰۳٤) بیّنات او (٦۱۲) مجموع زبر وبیّنات
(۱٦٤٦) سر بدان فلان وفلان وفلان لنك (۱٦۴٦)


آیهٔ دوازدهم

سورهٔ مطففین (ان الذین اجرموا کانوا من الذین آمنوا یضحکون)
زبر(الذین اجرموا) (۱۰٤۲) بیّنات او (۵٦۷) مجموع زبر وبیّنات(۱٦۰۹)
بنی امیّه علیهم وعلی الهم واتباعهم لعنة الله ولعن اللاعنین (۱٦۰۹) (ایضا)
بنو امیّه علیهم وعلی الهم وتابعهم لعنة الله ابدا (۱٦۰۹)


آیه سیزدهم

سورهٔ نمل (من جاء بالسیّئة فکبت وجوههم النار) زبر[السیئه][۱۰۷] بیّنات او
(۳۲۳) مجموع زبر وبیّنات(٤۳۰) عداوة حبیب حبیب اله علی ولی الله واله [۴۳۰]


آیه ختم الخاتمه

(انا من المجرمین منتقمون)

زبر این آیه (۱۲۰۲) غبر (۱۲۰۲) فلان وفلان وفلان (۱۲۰۲)

عقبه ثانیه

فلان وفلان وفلان درحالة رفع(۱۲۰۲) صفات الممتنع(۱۲۰۲) اضرار(۱۲۰۲)
صاحب الطغیان (۱۲۰۲) غساق طلب (۱۲۰۲) حمال اثم الممکنات (۱۲۰۲)
مرض انسان(۱۲۰۲) فلان وفلان وفلان درحالة نصب(۱۱۹۷) اهل غساق(۱۱۹۷)
فلان وفلان وفلان درحالة جر(۱۲۰٦) عادم النور عادم النور عادم النور (۱۲۰٦)
(عادم النور سه نوبت چه بهم جمع کنی هر سه را جمع اسامی کند این جمع بیان)
(ایضا) درحالة جری بی الف آخر فلان فلان وفلان (۱۲۰۵) باب ضرر(۱۲۰۵)


عقبه ثالثه

فلان حالة رفع(۲۳۱) کراهة(۲۳۱) حب عصیان (۲۳۱) طالب مفسده[۲۳۱]

معادات على (٢٣١) درد بى دوا (٢٣١) اوج عصيان (٢٣١) نفاق (٢٣١) قابل جهنم
(٢٣١) قالب جهنم (٢٣١) فلان حالة نصب (٢٢٦) حب المفاسد (٢٢٦) اوج المفاسد
(٢٣٦) كل الفاسد (٢٢٦) اول مفسده (٢٢٦) كور (٢٢٦) بيّنات او (٣٠٤)
ملعون جهنمى (٣٠٤) وجه فلان حالة جرى (٢٤٩) حرام (٢٤٩) فلان (٣١٠)
(اصل مفسده) (٣١٠) (نهاية الادبار) (٣١٠) علّة لفسيه (٣١٠) (فلان ابن فلان)
(٩٢٥) خلّد فى نار (٩٢٥) (حب فلان) (٣٢٠) ادبار امكان (٣٢٠) علّة معصيه (٣٢٠)
محب فلان) (٣٦٠) سقر (٣٦٠) (محبى فلان) (٣٧٠) سقرى (٣٧٠) (اهل ولاء
فلان) (٣٨٤) اصحاب النار (٣٨٤. (فلان) (٦٦١) خاين (٦٦١) جلوهٔ دوزخ
(٦٦١) شجرهٔ زقوم (٦٦١) (حب فلان فلان) (١٢١٥) طعام غصه
(١٢١٥) (ومالم نذكره ازيد) وقد فرغت من تسويدها وتحريرها
وانا الاحقر الجانى الفانى يوسف بن محمد بن يوسف النجفى الجيلانى
مع وفور العلائق وكرور العوائق فالمأمول ممن اتصف
بالانصاف طبيعته وعدل عن الاعتساف سجيّته ان يعذرنى
فى ذلك ويعفو عنى ويستر على ماسنح وظهر وسطع
وبهر له من سهو او نقص او طغيان او قصور او فتور
او نقصان فى لفظ او معنى او بيان وهو العاصم
عن الخطاء فى العنوان فى خامس عشر
من شهر الله الاعظم من سنة
الف و ثلثماة و خمسة
و عشرين سنة
(١٣٢٥)
نسختها فى
جيلان
١٣٣٠

رشت مطبعه عروة الوثقى بطبع رسيد
سنه ١٣٣١

غلط نامه

غلط — صحيح

صفحه	سطر	كلمة	كلمة	مؤلفات و مصنفات مصنف دام ظلّه
٢	٧	برتو	پرتو	(فارسی)
٢	٩	بز یر	بز بر	
٢	١٧	باید	یابد	مختصر المجمل در حساب جمل
٢	١٨	بشا	یشا	اصول عقاید دینیّه
٣	١٠	طرق	طریق	اصول عقاید با تقویم شرعی
٤	٥	للقران	(القران)	لایحهٔ اسلامیّه بر بابیّه وبهائیّه
٤	٧	لخاص	للخواص	مبیّن المنهج در حرمة شطرنج
٥	٣	كمر	كفر	هداية المجتاز در معمى والغاز
٥	٦	مجل	مجال	تذكرة السالكين در سير وسلوك عارفين
٥	١٢	لبين	لتبيّن	كشف المسطور در رموز ظهور
٥	١١	رجلا	رجالا	بحر السرائر در ختوم و طلاسم
٥	١٤	مطلب	مطالب	ديوان در اشعار
٦	١٥	بنيات	بيّنات	رحلة الايران در سير بلدان
٦	١٧	النيات	البيّنات	(عربی)
٨	١	تطابو	تطابق	
٨	١١	عق	عاق	حل العقود فى علم العقود
١٢	٩	جمعيها	جميعها	تذكرة المؤمنين فى فضايل العالمين
١٤	١٨	عوص	غوّاص	قواعد الاعجاز فى التعمية والالغاز
١٤	١٨	معرفته	معرفة	ربيع الابرار فيما يضحك الاخيار
١٤	٢٢	متباينه	ومتباينه	رسالة فقريه رسالة هنديه
٤١	١٥	بهشتى	بهستى	رسالة فى الصرف رسالة فى النحو
٤٤	٢٠	فارش	فاش	حاشية على الحاشيه فى المنطق
٤٤	٢٨	الحاملات	الحالات	طريق الوصول الى علم الاصول
٤٥	٢٦	يه	به	كتاب الطهارة فى الفقه
٤٦	١٨	نرل	نزول	كتاب الارث فى الفقه
٤٦	١٨	وابن	واين	حرمة نقل الموتى فى الفقه
٤٨	٥	والحن	والحسن	كشكول ٣ مجلد
٥٦	١٢	انفعال	انفال	











